

زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی (ESG)

خلاصه‌ای از یک اصل سرمایه‌گذاری است که مسائل زیست‌محیطی، مسائل اجتماعی و حاکمیت شرکتی را در اولویت قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاری با ملاحظات ESG گاهی اوقات به عنوان سرمایه‌گذاری مسئولانه یا در موارد پیشگیرانه‌تر، سرمایه‌گذاری تأثیرگذار نامیده می‌شود.

اصطلاح ESG برای اولین بار در گزارشی در سال ۲۰۰۴ با عنوان "کسی که اهمیت می‌دهد برنده می‌شود" مطرح شد، که ابتکار مشترکی از موسسات مالی به دعوت سازمان ملل متحد بود. تا سال ۲۰۲۳، جنبش ESG از یک ابتکار مسئولیت اجتماعی شرکتی سازمان ملل به یک پدیده جهانی تبدیل شده بود که بیش از ۳۰ تریلیون دلار دارایی تحت مدیریت را دربرمی‌گرفت.

انتقادات از ESG بسته به دیدگاه و حوزه تمرکز متفاوت است. این حوزه‌ها شامل کیفیت داده‌ها و عدم استانداردسازی؛ مقررات و سیاست‌های در حال تحول؛ سبزشویی؛ و **تنوع در تعریف و ارزیابی خیر اجتماعی** است. برخی از منتقدان معتقدند که ESG به عنوان امتداد بالفعل مقررات دولتی عمل می‌کند، به طوری که شرکت‌های سرمایه‌گذاری بزرگی مانند بلک‌راک استانداردهای ESG را اعمال می‌کنند که دولت‌ها نمی‌توانند مستقیماً آنها را وضع کنند. این امر منجر به اتهاماتی مبنی بر اینکه ESG مکانیسمی برای تأثیرگذاری بر بازارها و رفتار شرکت‌ها **بدون نظارت دموکراتیک** ایجاد می‌کند، شده است و نگرانی‌هایی را در مورد پاسخگویی و زیاده‌روی ایجاد کرده است.

تاریخچه

تصمیمات سرمایه‌گذاری عمدتاً مبتنی بر پتانسیل بازده مالی برای سطح معینی از ریسک است. با این حال، همیشه معیارهای بسیار دیگری برای تصمیم‌گیری در مورد محل سرمایه‌گذاری پول وجود داشته است - از ملاحظات سیاسی گرفته تا پاداش الهی.

در دهه ۱۹۷۰، انزجار جهانی از رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی منجر به یکی از مشهورترین نمونه‌های عدم سرمایه‌گذاری گزینشی در راستای خطوط اخلاقی شد. در پاسخ به درخواست فزاینده برای تحریم علیه این رژیم، کشیش لئون سالیوان، عضو هیئت مدیره جنرال موتورز در ایالات متحده، در سال ۱۹۷۷ یک آیین‌نامه رفتاری برای تجارت با آفریقای جنوبی تدوین کرد. آنچه که به عنوان اصول سالیوان (کد سالیوان) شناخته شد، توجه زیادی را به خود جلب کرد. چندین گزارش توسط دولت سفارش داده شد تا بررسی شود که چه تعداد از شرکت‌های آمریکایی در کسب‌وکارهای آفریقای جنوبی که قانون سالیوان را نقض می‌کردند، سرمایه‌گذاری می‌کردند. نتایج این گزارش‌ها منجر به خروج گسترده سرمایه‌گذاری‌های ایالات متحده از بسیاری از شرکت‌های آفریقای جنوبی شد. فشار ناشی از آن بر رژیم آفریقای جنوبی توسط جامعه تجاری آن، انگیزه فزاینده‌ای را برای کنار گذاشتن سیستم آپارتاید ایجاد کرد.

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اقتصاددان میلتون فریدمن، در پاسخ به فضای غالب نیکوکاری، استدلال کرد که مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی یک شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و مقررات و دخالت "دولت بزرگ" همیشه به اقتصاد کلان آسیب می‌رساند. ادعای او مبنی بر اینکه ارزیابی یک شرکت یا دارایی باید تقریباً منحصراً بر اساس سود مالی باشد (و هزینه‌های ناشی از مسئولیت اجتماعی غیرضروری تلقی شود) در بیشتر قرن بیستم رایج بود (به دکترین فریدمن مراجعه کنید). با این حال، در اواخر قرن بیستم، نظریه‌ای متضاد شروع به رواج کرد. در سال ۱۹۸۸، جیمز اس. کولمن مقاله‌ای در مجله جامعه‌شناسی آمریکا با عنوان «سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی»

نوشت. این مقاله تسلط مفهوم «منافع شخصی» در اقتصاد را به چالش کشید و مفهوم سرمایه اجتماعی را در سنجش ارزش معرفی کرد.

نوع جدیدی از فشار اعمال می‌شد که در ائتلاف با گروه‌های زیست‌محیطی عمل می‌کرد: استفاده از قدرت اهرمی سرمایه‌گذاران جمعی برای تشویق شرکت‌ها و بازارهای سرمایه به گنجاندن ریسک‌ها و فرصت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی در تصمیم‌گیری‌هایشان.

اگرچه مفهوم سرمایه‌گذاری گزینشی چیز جدیدی نبود، و طرف تقاضای بازار سرمایه‌گذاری سابقه طولانی در مورد کسانی داشت که می‌خواستند اثرات سرمایه‌گذاری‌های خود را کنترل کنند، اما آنچه در آغاز قرن بیست و یکم شروع به توسعه کرد، پاسخی از طرف عرضه این معادله بود. در آن زمان، این حوزه معمولاً به عنوان سرمایه‌گذاری اخلاقی یا مسئولیت اجتماعی شناخته می‌شد. بازار سرمایه‌گذاری شروع به درک نیاز روزافزون به محصولاتی کرد که با هدف آنچه که به عنوان سرمایه‌گذار مسئول شناخته می‌شد، طراحی شده بودند. در سال ۱۹۸۱، فریر اسپرکلی، خالق بنگاه اجتماعی، کتاب «ممیزی اجتماعی - ابزاری مدیریتی برای کار مشارکتی» را منتشر کرد که در آن برای اولین بار ایده مجموعه‌ای از معیارهای داخلی را که بنگاه‌های اجتماعی و سایر سازمان‌ها باید در برنامه‌ریزی و حسابداری سالانه خود استفاده کنند، معرفی کرد. این معیارها عبارت بودند از: قابلیت دوام مالی، خلق ثروت اجتماعی، حاکمیت سازمانی و مسئولیت زیست‌محیطی، و به عنوان حسابداری و حسابرسی اجتماعی شناخته شدند. بعدها، در سال ۱۹۹۸، جان ال‌کینگتون، یکی از بنیانگذاران شرکت مشاوره تجاری «پایداری»، کتاب «آدمخواران با چنگال: سه‌گانه سود کسب و کار قرن بیست و یکم» را منتشر کرد که در آن خوشه نوظهوری از بنگاه‌های غیرمالی را شناسایی کرد. ضرایبی که باید در عوامل تعیین‌کننده ارزش یک شرکت یا ارزش سهام لحاظ شوند. او عبارت «سه‌گانه سود» را ابداع کرد که به عوامل مالی، زیست‌محیطی و اجتماعی موجود در محاسبه جدید اشاره دارد. در همان زمان، تفکیک دقیق بین بخش محیط زیست و بخش مالی شروع به فروپاشی کرد. در سال ۲۰۰۲ در شهر لندن، کریس یتس-اسمیت، عضو هیئت بین‌المللی که برای نظارت بر ساخت فنی، اعتباربخشی و توزیع استاندارد تولید ارگانیک و بنیانگذار یک شرکت مشاوره برندسازی انتخاب شده بود، یکی از اولین گروه‌های تحقیقاتی مالی زیست‌محیطی را تأسیس کرد. این گروه غیررسمی از رهبران مالی، وکلای شهر و سازمان‌های مردم‌نهاد متولی محیط زیست به عنوان «دایره فضیلت» شناخته شد و مأموریت آن بررسی ماهیت همبستگی بین استانداردهای زیست‌محیطی و اجتماعی و عملکرد مالی بود. چندین بانک و موسسه سرمایه‌گذاری بزرگ جهان با ارائه خدمات فروش، به علاقه روزافزون به بازار سرمایه‌گذاری ESG پاسخ دادند. از جمله اولین آنها بانک برزیلی یونی‌بنکو و صندوق ژوپیتر مایک تایرل در لندن بودند که در سال ۲۰۰۱ از تحقیقات مبتنی بر ESG برای ارائه خدمات سرمایه‌گذاری گزینشی به HSBC و سیتی‌کورپ استفاده کردند.

در سال‌های اولیه هزاره جدید، بخش عمده‌ای از بازار سرمایه‌گذاری هنوز این فرض تاریخی را پذیرفته بودند که سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی ذاتاً مانع از بازگشت سرمایه می‌شوند. فعالیت‌های خیریه کمکی به کسب‌وکار سودآور محسوب نمی‌شد و فریدمن مینای دانشگاهی پذیرفته‌شده‌ای را برای این استدلال ارائه کرده بود که هزینه‌های رفتار مسئولانه اخلاقی از مزایای آن بیشتر است. با این حال، این فرضیات کم‌کم به چالش کشیده می‌شدند. در سال ۱۹۹۸، دو روزنامه‌نگار، رابرت لورینگ و میلتن، «۱۰۰ شرکت برتر فورچون برای کار کردن» را منتشر کردند، که در ابتدا فهرستی در مجله فورچون بود، سپس کتابی که فهرستی از بهترین شرکت‌های ایالات متحده در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکتی و چگونگی عملکرد مالی آنها در نتیجه آن را گردآوری می‌کرد. از سه حوزه مورد

توجه که ESG نماینده آنها بود، حوزه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی بیشترین توجه عموم و رسانه‌ها را به خود جلب کرده بودند، به ویژه به دلیل ترس‌های فزاینده در مورد تغییرات اقلیمی. موسکویتز توجه را به جنبه حاکمیت شرکتی سرمایه‌گذاری مسئولانه جلب کرد. تحلیل او مربوط به نحوه مدیریت شرکت‌ها، روابط سهامداران و نحوه برخورد با کارکنان بود. او استدلال کرد که بهبود رویه‌های حاکمیت شرکتی به عملکرد مالی آسیب نمی‌رساند؛ بلکه برعکس، بهره‌وری را به حداکثر می‌رساند، کارایی شرکت‌ها را تضمین می‌کند و منجر به جذب و استفاده از استعدادهای برتر مدیریتی می‌شود. در اوایل دهه ۲۰۰۰، موفقیت فهرست موسکویتز و تأثیر آن بر سهولت استخدام شرکت‌ها و شهرت برند، فرضیات تاریخی مربوط به تأثیر مالی عوامل ESG را به چالش کشید. در سال ۲۰۱۱، الکس ادمانز، استاد امور مالی در وارتون، مقاله‌ای در مجله اقتصاد مالی منتشر کرد که نشان می‌داد «۱۰۰ شرکت برتر برای کار کردن» از نظر بازده سهام، سالانه ۲ تا ۳ درصد نسبت به هم‌تایان خود در طول سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۹ عملکرد بهتری داشته‌اند و درآمدی داشته‌اند که به طور سیستماتیک از انتظارات تحلیلگران فراتر رفته است.

در سال ۲۰۰۵، ابتکار مالی برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، گزارشی را از شرکت حقوقی بین‌المللی فرشفیلدز بروکهاوس درینگر در مورد تفسیر قانون در رابطه با سرمایه‌گذاران و مسائل ESG سفارش داد. گزارش فرشفیلدز به این نتیجه رسید که نه تنها برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری مجاز است که مسائل ESG را در تحلیل سرمایه‌گذاری ادغام کنند، بلکه مسلماً بخشی از وظیفه امانتداری آنها نیز هست. در سال ۲۰۱۴، کمیسیون حقوقی (انگلستان و ولز) تأیید کرد که هیچ منعی برای متولیان بازنشستگی و دیگران از در نظر گرفتن عوامل ESG هنگام تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری وجود ندارد.

در حالی که فریدمن از این استدلال که ادغام عوامل ESG در رویه‌های مالی، عملکرد مالی را کاهش می‌دهد، حمایت آکادمیک کرده بود، گزارش‌های متعددی در سال‌های اولیه قرن منتشر شدند که تحقیقاتی را ارائه می‌دادند که از استدلال‌های مخالف پشتیبانی می‌کردند. در سال ۲۰۰۶، مایکل بارنت از دانشگاه آکسفورد و رابرت سالومون از دانشگاه نیویورک، مطالعه‌ای تأثیرگذار منتشر کردند که نتیجه گرفت دو طرف این استدلال حتی ممکن است مکمل یکدیگر باشند - آنها رابطه‌ای بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی مطرح کردند. هم شیوه‌های سرمایه‌گذاری گزینشی و هم شیوه‌های سرمایه‌گذاری غیرگزینشی می‌توانند عملکرد مالی یک سبد سرمایه‌گذاری را به حداکثر برسانند و تنها مسیری که احتمالاً به عملکرد آسیب می‌رساند، یک راه میانه برای سرمایه‌گذاری گزینشی بود. [۲۰] علاوه بر شرکت‌های سرمایه‌گذاری بزرگ و بانک‌هایی که به مسائل ESG علاقه‌مند هستند، مجموعه‌ای از شرکت‌های سرمایه‌گذاری که به طور خاص با سرمایه‌گذاری مسئولانه و سبدهای سرمایه‌گذاری مبتنی بر ESG سروکار دارند، در دنیای مالی و در سراسر جهان شروع به ظهور کردند.

بسیاری در صنعت سرمایه‌گذاری معتقدند که توسعه عوامل ESG به عنوان ملاحظات در تحلیل سرمایه‌گذاری اجتناب‌ناپذیر است. شواهد مربوط به رابطه بین توجه به مسائل ESG و عملکرد مالی در حال افزایش است و ترکیب وظیفه امانتداری و شناخت گسترده از ضرورت پایداری سرمایه‌گذاری‌ها در درازمدت به این معنی است که نگرانی‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی اکنون به طور فزاینده‌ای در بازار سرمایه‌گذاری اهمیت پیدا می‌کنند. علاوه بر این، نظرسنجی‌ها از ذینفعان نهایی (که پس‌اندازها و مستمری‌ها از طرف آنها انجام می‌شود) معمولاً سطح

بالایی از حمایت را برای در نظر گرفتن مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی در کنار بازده بلندمدت و تعدیل‌شده با ریسک نشان می‌دهد.

ESG بیشتر مسئله عملی است تا یک مسئله بشردوستانه

در مورد اینکه چه چیزی را باید جزو عوامل ناملموس مربوط به پایداری و اثربخشی اخلاقی سرمایه‌گذاری‌ها نامید، عدم قطعیت و بحث وجود داشته است. نام‌ها از استفاده اولیه از کلمات رایج مانند "سبز" و "اکو" گرفته تا طیف گسترده‌ای از توصیفات ممکن برای انواع تحلیل سرمایه‌گذاری - "سرمایه‌گذاری مسئولانه"، "سرمایه‌گذاری مسئولانه اجتماعی" (SRI)، "اخلاقی"، "فرامالی"، "سرمایه‌گذاری بلندمدت" (LHI)، "کسب و کار بهبود یافته"، "سلامت شرکت"، "غیرسنتی" و موارد دیگر - متغیر بوده‌اند. اما غلبه اصطلاح ESG اکنون به طور گسترده پذیرفته شده است. یک نظرسنجی از ۳۵۰ متخصص سرمایه‌گذاری جهانی که توسط مدیران سرمایه‌گذاری Axa و AQ Research در سال ۲۰۰۸ انجام شد، نتیجه گرفت که اکثریت قریب به اتفاق متخصصان اصطلاح ESG را برای توصیف چنین داده‌هایی ترجیح می‌دهند.

در ژانویه ۲۰۱۶، PRI، UNEP FI و بنیاد نسل یک پروژه سه ساله را برای پایان دادن به بحث در مورد اینکه آیا وظیفه امانتداری مانعی مشروع برای ادغام مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در رویه سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری است، آغاز کردند.

این امر پس از انتشار گزارش «وظیفه امانتداری در قرن بیست و یکم» در سپتامبر ۲۰۱۵ توسط PRI، UNEP FI، UNEP Inquiry و UN Global Compact صورت گرفت. این گزارش نتیجه گرفت که «عدم در نظر گرفتن همه محرک‌های ارزش سرمایه‌گذاری بلندمدت، از جمله مسائل ESG، شکست وظیفه امانتداری است». همچنین اذعان کرد که با وجود پیشرفت‌های قابل توجه، بسیاری از سرمایه‌گذاران هنوز مسائل ESG را به طور کامل در فرآیندهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری خود ادغام نکرده‌اند. در سال ۲۰۲۱، چندین سازمان در تلاش بودند تا انطباق با ESG را به فرآیندی قابل درک‌تر تبدیل کنند تا استانداردهایی بین آژانس‌های رتبه‌بندی، بین صنایع و در سراسر حوزه‌های قضایی ایجاد شود. این شامل شرکت‌هایی مانند Workiva بود که از دیدگاه ابزار فناوری کار می‌کردند؛ آژانس‌هایی مانند گروه ویژه افشای مالی مرتبط با آب و هوا (TCFD) که مضامین مشترکی را در صنایع خاص توسعه می‌دادند؛ و مقررات دولتی مانند مقررات افشای مالی پایدار اتحادیه اروپا (SFDR)

در طول همه‌گیری کوید-۱۹، شرکت‌های بلک‌راک، فیدلیتی و آموندی، در کنار سایر شرکت‌های مدیریت دارایی، به شرکت‌های داروسازی که سهام زیادی در آنها داشتند، فشار آوردند تا با یکدیگر همکاری کنند.

در سال ۲۰۲۳، لئونارد لئو و شبکه‌های مرتبط، کمپینی را برای از بین بردن ESG، با هدف قرار دادن سرمایه‌گذاری‌های سازگار با محیط زیست، آغاز کردند. تحقیقات مصرف‌کنندگان و داستان‌های کل جمهوری خواه، تحقیقات در مورد گروه ونگارد را اعلام کردند. ونگارد از سرمایه‌گذاری ESG فاصله گرفت، زیرا مدیرعامل آن اظهار داشت که این با وظایف امانتداری آن نسبت به سرمایه‌گذاران سازگار نیست. کمتر از ۱ نفر از ۷ مدیر سهام فعال آنها در هر دوره پنج ساله از

بازار گسترده عملکرد بهتری داشتند و هیچ یک از آنها منحصرأً به روش سرمایه‌گذاری خالص صفر متکی نبودند.

سرمایه‌گذاری با معیارهای ESG

سرمایه‌گذاری مسئولانه از طریق ESG در سطح جهانی توسط COP21 یا توافق پاریس و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد ۲۰۳۰ هدایت شده است.

فاکتورها و رتبه‌بندی‌های ESG جایگاه تثبیت‌شده‌ای در حوزه مالی پیدا کردند. در واقع، ارزش بازار دارایی‌های ESG در سال ۲۰۲۱ بیش از ۱۸/۴ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری با رشد پیش‌بینی‌شده ۱۲/۹ درصد تا سال ۲۰۲۶ بود. ESG برای اولین بار در سال ۲۰۲۳ شاهد خروج سرمایه بود.

اتحادیه اروپا با ۸۴ درصد از دارایی‌های جهانی در این بخش، جایگاه پیشرو در بازار صندوق‌های پایدار دارد. علاوه بر این، این اتحادیه به عنوان پیشرفته‌ترین و متنوع‌ترین بازار برای سرمایه‌گذاری‌های ESG شناخته می‌شود. در مقایسه، ایالات متحده، با فاصله زیاد، تا سپتامبر ۲۰۲۳، ۱۱ درصد از این دارایی‌های صندوق‌های پایدار جهانی را به خود اختصاص داده است.

آمار صندوق‌های پایدار جهانی بر اساس منطقه در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۳ جریان‌های منطقه‌ای دارایی‌ها صندوق‌ها

میلیارد دلار آمریکا میلیارد دلار آمریکا درصد از کل تعداد درصد از کل

اروپا ۱۵/۳ ۲۲۹۳ ۸۴ ۵'۶۰۸ ۷۳

ایالات متحده - ۲/۷ ۲۹۹ ۱۱ ۶۶۱ ۹

آسیا به جز ژاپن ۲/۰ ۶۷ ۲ ۵۳۹ ۷

استرالیا/نیوزیلند ۰/۰ ۳۱ ۱ ۲۶۸ ۴

ژاپن - ۰/۹ ۲۳ ۱ ۲۳۶ ۳

کانادا - ۰/۱ ۳۱ ۱ ۳۳۶ ۴

کل ۱۳/۷ ۲۷۴۴ ۱۰۰ ۷'۶۴۸ ۱۰۰

لازم به ذکر است که در بحبوحه ادعاهای مربوط به سبزشویی و مقررات سختگیرانه‌تر، کاهش قابل توجهی در صندوق‌هایی که اصطلاحات مرتبط با ESG را در نام خود دارند، وجود دارد. تعداد فزاینده‌ای از صندوق‌ها شرکت‌هایی در ایالات متحده در حال حذف اصطلاحات مرتبط با ESG از نام خود هستند، روندی که در اروپا مشاهده نمی‌شود.

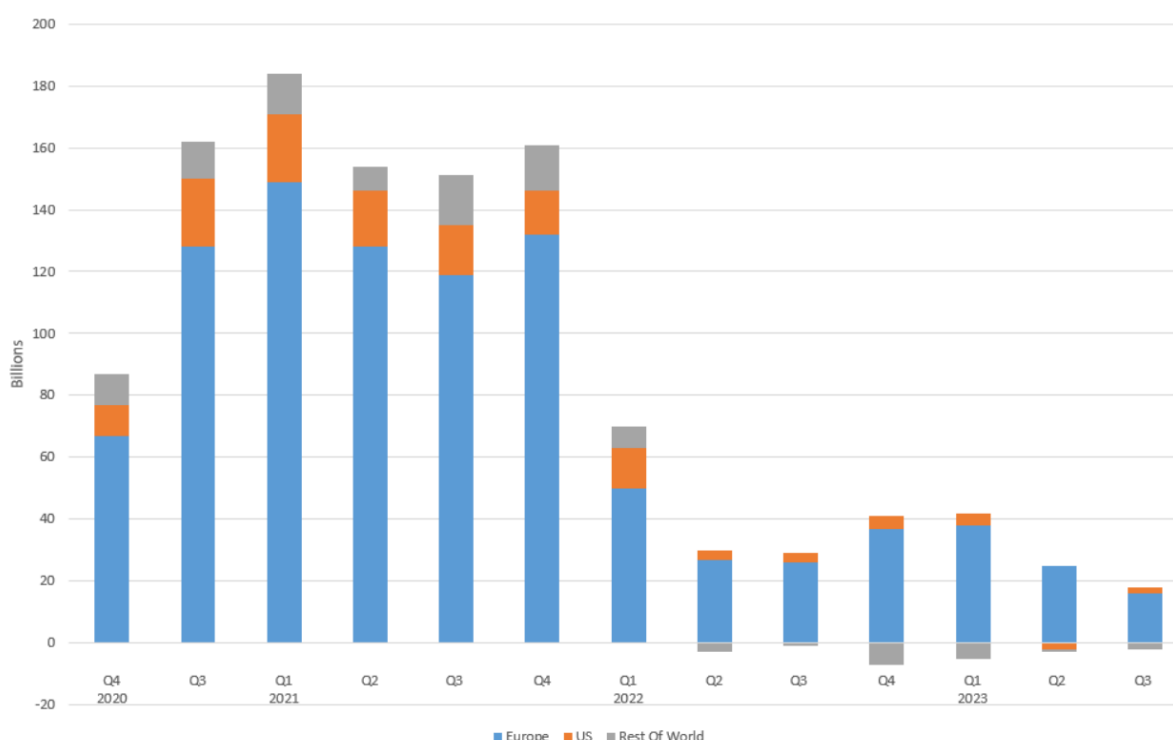
جریان‌های مالی صندوق‌های پایدار جهانی (میلیارد دلار آمریکا)

دانشگاه کمبریج سرمایه‌گذاری‌های پایدار را به این صورت تعریف می‌کند که شامل ایجاد یک سبد سرمایه‌گذاری با انتخاب دارایی‌هایی است که پایدار یا قادر به تحمل درازمدت هستند. همچنین می‌توان آن را به عنوان یک رویکرد قاطع در نظر گرفت که دارایی‌هایی را که برای پایداری بلندمدت زیست‌محیطی و اجتماعی مضر تلقی می‌شوند، حذف می‌کند.

استانداردهای ESG در پاسخ به تقاضای رو به رشد جهانی برای سرمایه‌گذاری‌های پایدارتر و مسئولانه‌تر از نظر اجتماعی تدوین شده‌اند. از زمان توسعه این استانداردها در سال ۱۹۶۰ به تدریج تکامل یافته و نتیجه شناخت جهانی از اهمیت پایداری و مسئولیت اجتماعی است، تعیین دقیق اینکه کدام کشورها ابتدا به این استانداردها نیاز داشته‌اند، دشوار است. با این حال، برخی کشورها یا مناطق به ویژه در ترویج استانداردهای ESG فعال هستند. به عنوان مثال، کشورهای اروپایی مانند کشورهای اسکاندیناوی (دانمارک، سوئد، نروژ) و کشورهایی مانند هلند پیشگامان ادغام معیارهای ESG در سیاست‌های سرمایه‌گذاری و حاکمیت شرکتی هستند. به همین ترتیب، این کشورهای شمال اروپا امروزه در بسیاری از ارزیابی‌های بین‌المللی معیارهای ESG امتیاز نسبتاً خوبی کسب می‌کنند.

علاوه بر این، بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶، تعداد صندوق‌های سنتی که معیارهای ESG را در نظر می‌گیرند، از ۲۶۰ به بیش از ۱۰۰۰ افزایش یافته است. علاوه بر این، تخمین زده می‌شود که تعداد سرمایه‌گذاری‌هایی که معیارهای ESG را در نظر می‌گیرند، بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ دو برابر شده باشد. مطالعه دیگری نیز ادعا می‌کند که صندوق‌هایی با تعهد ESG در طول این سه سال دو برابر شده‌اند، از ۳٪ به ۵٪. در نهایت، یکی از آخرین مطالعات نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ رشد واقعی در دارایی‌های سرمایه‌گذاری پایدار جهانی وجود دارد، به طوری که ارزش دارایی‌ها از ۱۳/۶ تریلیون دلار به ۳۵/۳ تریلیون دلار افزایش یافته است. این رشد در صندوق‌های منطبق با ESG، البته با علاقه روزافزون سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری پایدار همسو است. با این حال، بازده پایین‌تر برای صندوق‌های ESG در دو سال گذشته منجر به کاهش زیادی در سرمایه‌گذاری‌ها شده است.

با وجود افزایش کلی در صندوق‌های ESG، در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۵ شاهد برداشت بی‌سابقه پول از صندوق‌های پایدار بودیم.



ذینفعان

در مورد ذینفعان، توجه به این نکته مهم است که همه نسل‌ها و کشورها به یک شکل تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. اولاً، در مقیاس جهانی، تفاوت‌های قابل توجهی بین مناطق از نظر تمایل و توانایی شرکت‌ها برای پرداختن به مسائل ESG در سرمایه‌گذاری‌هایشان وجود دارد. به نظر می‌رسد نتایج نظرسنجی‌های مختلف این اختلافات را تأیید می‌کند و روند مطلوب‌تری را در اروپا، خاورمیانه، آفریقا (EMEA) و آسیا و اقیانوسیه، در مقایسه با آمریکای شمالی، نشان می‌دهد. در واقع، بخش بالایی از پاسخ‌دهندگان در آسیا و اقیانوسیه (۷۸٪) و EMEA (۷۴٪) مسائل ESG را در نظر می‌گیرند، در حالی که اکثریت کمتری در آمریکای شمالی (۵۹٪) به آنها اهمیت می‌دهند. جایگاه رتبه‌بندی ESG امسال منحصراً "کشورهای نوردیک" اروپایی است، فنلاند در رتبه اول، پس از آن سوئد در رتبه دوم و ایسلند در رتبه سوم قرار دارند. این اختلافات منطقه‌ای ممکن است با گذشت زمان تغییر کند، اگرچه دلایل اساسی این تفاوت‌ها به طور کامل درک نشده است. برای مثال، در کشورهایی که از بازارهای توسعه‌یافته و مقررات سختگیرانه بهره‌مند هستند، سرمایه‌گذاران ممکن است فرض کنند که برخی از مسائل ESG توسط مقررات مورد توجه قرار می‌گیرند، بنابراین حساسیت کمتری نسبت به این موضوعات وجود دارد.

با این حال، مقایسه رتبه‌بندی ESG از یک منطقه جغرافیایی به منطقه دیگر، به ویژه در یک بازار جهانی، کار آسانی نیست. تغییرات در رتبه‌بندی شرکت‌ها، به ویژه بین اروپا (در بهترین موقعیت) و آمریکای شمالی (در بدترین حالت)، ممکن است منعکس‌کننده کیفیت گزارشگری باشد تا کیفیت ذاتی رویه‌های ESG. الزامات افشا بین مناطق مختلف به طور قابل توجهی متفاوت است و برخی از مقررات الزام‌آور در اروپا، مانند انتشار "صورت‌های مالی غیرمالی" برای شرکت‌هایی با بیش از ۵۰۰ کارمند، ممکن است به طور مثبت بر رتبه‌بندی ESG منطقه تأثیر بگذارد. در عین حال، علاقه بیشتر سرمایه‌گذاران اروپایی به سرمایه‌گذاری‌های ESG نیز به این روند کمک می‌کند.

نسل‌های جدید، مانند نسل هزاره و نسل Z، علاقه فزاینده‌ای به سرمایه‌گذاری ESG نشان می‌دهند و با ترجیح دادن شرکت‌هایی که رویه‌های پایدار دارند، به حقوق بشر احترام می‌گذارند، تنوع را ترویج می‌دهند و به اقدامات مثبت برای جامعه متعهد هستند، ارزش‌های خود را با انتخاب‌های سرمایه‌گذاری خود همسو می‌کنند. در واقع، طبق یک نظرسنجی انجام شده در سال ۲۰۲۱، حدود یک سوم از نسل هزاره اغلب یا فقط از سرمایه‌گذاری‌هایی استفاده می‌کنند که معیارهای ESG را در نظر می‌گیرند، در مقایسه با ۱۹٪ از نسل Z، ۱۶٪ از نسل X و ۲٪ از نسل بیبی بومرها.

با این حال، مهم است که این دیدگاه کلی در مورد سرمایه‌گذاری ESG را به چالش بکشیم. در حالی که برخی از گروه‌ها علاقه بیشتری نشان می‌دهند، ضروری است که تنوع دیدگاه‌ها و اولویت‌ها در بین نسل‌ها را تشخیص دهیم. این تعصب می‌تواند منجر به یک دیدگاه ساده یا حتی اشتباه در مورد تأثیر واقعی سرمایه‌گذاری‌های ESG شود. تمرکز بیش از حد بر جذاب‌ترین نسل‌های آینده ممکن است پیشرفت‌ها یا کاستی‌های جاهای دیگر را بپوشانند، که این امر نیاز به ارزیابی متعادل‌تر و ظریف‌تر از تأثیر سرمایه‌گذاری‌های ESG را برجسته می‌کند.

شرکت‌ها

اجرای رویه‌های ESG در بخش‌های مختلف متفاوت است. بخش‌های صنعت، فناوری اطلاعات، مصرف‌کنندگان و مواد، بخش‌هایی هستند که بیشترین علاقه را به رویه ESG دارند

(شکل ۲ را ببینید).



بر اساس هر بخش، وزن‌های نسبت داده شده به اهمیت نسبی عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تغییر می‌کند. با گذشت زمان، وزن‌دهی دسته‌ها نیز تغییر می‌کند. به عنوان مثال، طبق گفته ناگی و همکاران (۲۰۲۰)، عامل حاکمیت رشد قابل توجهی در وزن خود ثبت کرد و از ۱۹٪ در سال ۲۰۰۷ به ۲۷٪ در سال ۲۰۱۹ و سپس به ۳۱٪ در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت. به طور کلی، یک مطالعه MSCI نشان داد که: میانگین وزن ستون محیطی ۳۰٪، عوامل اجتماعی ۳۹٪ و عناصر حاکمیتی ۳۱٪ در تمام بخش‌ها بود.

یکی دیگر از سوگیری‌هایی که ابزار ESG می‌تواند نشان دهد این است که شرکت‌های بزرگتر عموماً در مقایسه با شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) امتیاز ESG بالاتری دارند. گزارش‌های پایداری تاکنون به‌صورت خوداظهاری و بدون حسابرسی بوده‌اند، در نتیجه شرکت‌ها اغلب به دنبال ارائه خود در بهترین حالت ممکن بوده‌اند. علاوه بر این، مطالعات متعددی حذف داده‌های قابل توجه، ارقام نادرست و ادعاهای بی‌اساس را نشان داده‌اند.

AVERAGE ESG SCORE BY MARKET CAP



شکاف بین عملکرد شرکت‌های بزرگ و SME ها می‌تواند توضیحات مختلفی داشته باشد. طبق مطالعات، شرکت‌هایی که اطلاعات قوی‌تری ارائه می‌دهند، تمایل دارند امتیاز ESG بالاتری دریافت کنند، حتی اگر از نظر تاریخی شیوه‌های ESG ضعیفی داشته باشند یا با ریسک کلی ESG بالاتری مطابقت داشته باشند. بهترین رتبه‌بندی برای این شرکت‌ها ممکن است با رعایت ESG پیشرفته آنها یا به این دلیل باشد که منابع بیشتری را به تهیه گزارش‌های غیرمالی خود اختصاص می‌دهند. به عنوان مثال، بریستول-مایرز اسکوئیب، یک شرکت داروسازی بزرگ، حتی پس از درگیر شدن در جنجال‌های اخیر، رتبه ESG بالایی را حفظ کرده است. در مقابل، شرکت داروسازی کوچک Phibro Animal Health، علیرغم تعهدات و رعایت معیارهای ESG، امتیاز کمتری دریافت می‌کند. همچنین ممکن است شرکت‌های کوچک و متوسط در اجرای چارچوب‌های اندازه‌گیری لازم با چالش مواجه شوند.

ابعاد

ESG در سراسر صنعت مالی ایالات متحده برای توصیف و اندازه‌گیری پایداری و تأثیر اجتماعی یک شرکت یا کسب‌وکار اتخاذ شده است. MSCI، یک آژانس رتبه‌بندی جهانی ESG، سرمایه‌گذاری ESG را به عنوان در نظر گرفتن عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در کنار عوامل مالی در فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری تعریف می‌کند. به همین ترتیب، S&P بر توجه به روش‌هایی که ریسک‌ها و فرصت‌های محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌توانند تأثیرات مادی بر عملکرد شرکت‌ها داشته باشند، تأکید می‌کند.

جنبه زیست‌محیطی: داده‌ها در مورد تغییرات اقلیمی، انتشار گازهای گلخانه‌ای، از دست رفتن تنوع زیستی، جنگل‌زدایی/احیای جنگل، کاهش آلودگی، بهره‌وری انرژی و مدیریت آب گزارش می‌شوند. جنبه اجتماعی: داده‌ها در مورد ایمنی و سلامت کارکنان، شرایط کاری، تنوع، برابری و شمول، و درگیری‌ها و بحران‌های انسانی گزارش می‌شوند، و مستقیماً از طریق نتایج در افزایش (یا از بین بردن) رضایت مشتری و مشارکت کارکنان، در ارزیابی ریسک و بازده مرتبط هستند.

جنبه حاکمیتی: داده‌ها در مورد حاکمیت شرکتی مانند جلوگیری از رشوه‌خواری، فساد، تنوع هیئت مدیره، جبران خسارت مدیران، امنیت سایبری و شیوه‌های حفظ حریم خصوصی و ساختار مدیریت گزارش می‌شوند.

دسته بندی	موضوع	مشارکت در ریسک رتبه بندی ESG
زیست محیطی	کربن - عملیات شخصی	19.20%
43.30%	استفاده از منابع	10.30%
	انتشار گازهای گلخانه‌ای، پساب‌ها و زباله‌ها	7.10%
	تأثیر زیست‌محیطی و اجتماعی	
	محصولات و خدمات	6.70%

اجتماعی	حقوق بشر	22.80%
34.10%	بهداشت و ایمنی شغلی	7.50%
	روابط اجتماعی	3.80%
حکومتداری	حاکمیت شرکتی	11.90%
22.60%	اخلاق تجاری	6.70%
	سرمایه انسانی	4.00%

هم تهدید تغییرات اقلیمی و هم نگرانی در مورد تغییرات اقلیمی افزایش یافته است، بنابراین سرمایه‌گذاران تصمیم می‌گیرند مسائل پایداری را در انتخاب‌های سرمایه‌گذاری خود لحاظ کنند تا بازده تعدیل‌شده با ریسک بهتری داشته باشند. این مسائل اغلب نشان‌دهنده عوامل خارجی هستند، مانند تأثیرات بر عملکرد و درآمدهای شرکت که منحصراً تحت تأثیر مکانیسم‌های بازار نیستند. همانند تمام حوزه‌های ESG، وسعت نگرانی‌های احتمالی بسیار زیاد است (مثلاً انتشار گازهای گلخانه‌ای، تنوع زیستی، مدیریت پسماند، مدیریت آب) اما برخی از حوزه‌های اصلی در زیر فهرست شده‌اند:

بحران آب و هوا

مجموعه تحقیقاتی که داده‌هایی از روندهای جهانی در تغییرات آب و هوایی ارائه می‌دهند، برخی از سرمایه‌گذاران - صندوق‌های بازنشتی، دارندگان ذخایر بیمه - را بر آن داشته است تا سرمایه‌گذاری‌ها را از نظر تأثیر آنها بر عوامل درک شده تغییرات آب و هوایی بررسی کنند. صنایع وابسته به سوخت‌های فسیلی جذابیت کمتری دارند. در بریتانیا، سیاست‌های سرمایه‌گذاری این گزارش‌ها به ویژه تحت تأثیر نتایج «بررسی استرن» در سال ۲۰۰۶ قرار گرفتند، گزارشی که توسط دولت بریتانیا برای ارائه تحلیل اقتصادی از مسائل مرتبط با تغییرات اقلیمی تهیه شده بود. نتایج آن به لزوم لحاظ کردن ملاحظات تغییرات اقلیمی و مسائل زیست‌محیطی در تمام محاسبات مالی اشاره داشت و اینکه مزایای اقدام زودهنگام در مورد تغییرات اقلیمی از هزینه‌های آن بیشتر خواهد بود. چارچوب اصلی مورد استفاده در سطح جهانی، «گروه ویژه افشای اطلاعات مالی مرتبط با اقلیم» (TCFD) است.

پایداری زیست‌محیطی

در هر زمینه‌ای از بحث، از کاهش منابع گرفته تا آینده صنایع وابسته به مواد اولیه رو به کاهش، مسئله منسوخ شدن محصول یا خدمات یک شرکت، به محور ارزش منتسب به آن شرکت تبدیل می‌شود. دیدگاه بلندمدت در بین سرمایه‌گذاران رواج پیدا می‌کند.

بعد اجتماعی

تنوع

این باور رو به رشد وجود دارد که هرچه تعداد استعدادهای موجود برای یک کارفرما بیشتر باشد، شانس یافتن فرد بهینه برای شغل بیشتر است. نوآوری و چابکی به عنوان مزایای بزرگ تنوع در نظر گرفته می‌شوند و آگاهی فزاینده‌ای از آنچه به عنوان قدرت تفاوت شناخته می‌شود، وجود دارد. با این حال، صرفاً برگزاری آموزش‌های اجباری تنوع برای باز کردن شرکت‌ها به روی فرصت‌ها برای گروه‌های هدف کافی نیست. مطالعات نشان می‌دهد که هرچه یک شرکت عمداً تیم‌های کاری را ادغام کند، بیشتر پذیرای نیروی کار متنوع می‌شود. ارتش ایالات متحده نمونه بارزی از نژادها و جنسیت‌هایی است که به خوبی با هم کار می‌کنند.

حقوق بشر

در این حوزه نگرانی در حال گسترش است تا ملاحظاتمانند تأثیر بر جوامع محلی، سلامت و رفاه کارکنان و بررسی دقیق‌تر زنجیره تأمین یک شرکت را در بر بگیرد. یکی از چارچوب‌های اصلی مورد استفاده، اصول راهنمای سازمان ملل در مورد تجارت و حقوق بشر است.

حمایت از مصرف‌کننده

تا همین اواخر، اصل احتیاط ("خریدار مراقب باشد") اصل حاکم بر تجارت و دادوستد بود. با این حال، در دوران اخیر، این فرض افزایش یافته است که مصرف‌کننده حق برخورداری از درجه‌ای از حمایت را دارد و رشد گسترده دعوی مربوط به خسارات به این معنی است که حمایت از مصرف‌کننده یک ملاحظه اصلی برای کسانی است که به دنبال محدود کردن ریسک یک شرکت هستند و کسانی که اعتبار یک شرکت را با هدف سرمایه‌گذاری بررسی می‌کنند. فروپاشی بازار وام مسکن درجه دو ایالات متحده، جنبشی رو به رشد علیه وام‌های غارتگرانه را آغاز کرد که به یک حوزه مهم نگرانی تبدیل شده است.

رفاه حیوانات

نگرانی‌های مربوط به رفاه حیوانات شامل آزمایش محصولات یا مواد تشکیل‌دهنده روی حیوانات، پرورش برای آزمایش، نمایش حیوانات یا مزارع صنعتی است.

محافظه‌کاران

از ۴۳۵ پیشنهاد سهامدار ESG که توسط سازمان غیرانتفاعی As You Sow در سال ۲۰۲۱ ثبت شد، ۲۲ مورد توسط این سازمان به عنوان محافظه‌کار طبقه‌بندی شدند. مرکز ملی تحقیقات سیاست عمومی از ۷ شرکت خواسته است تا گزارشی در مورد بیانیه هدف یک شرکت BRT تهیه کنند. سایر پیشنهادات محافظه‌کارانه شامل گزارش‌هایی در مورد کمک‌های خیریه و تنوع ایدئولوژیک نامزدهای هیئت مدیره است.

ابعاد حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی به ساختارها و فرآیندهایی اشاره دارد که شرکت‌ها را هدایت و کنترل می‌کنند. حاکمیت خوب به گونه‌ای دیده می‌شود که تضمین کند شرکت‌ها در قبال سرمایه‌گذاران پاسخگوتر، انعطاف‌پذیرتر و شفاف‌تر هستند و به آنها ابزارهایی برای پاسخگویی به نگرانی‌های ذینفعان می‌دهد.

حاکمیت شرکتی در ESG شامل مسائلی از دیدگاه هیئت مدیره است، لنز حاکمیت بر رفتار شرکتی مدیرعامل، مدیران ارشد و کارمندان به طور کلی نظارت می‌کند، شامل اندازه‌گیری اخلاق تجاری، رویه‌های ضد رقابتی، فساد، مالیات و ارائه شفافیت حسابداری برای ذینفعان است.

MSCI در بخش حاکمیت، رویه‌های رفتار شرکتی و حاکمیت تنوع هیئت مدیره، حقوق مدیران، مالکیت و کنترل و حسابداری را که هیئت مدیره باید از طرف ذینفعان بر آنها نظارت کند، قرار می‌دهد. سایر نگرانی‌ها شامل گزارش‌دهی و شفافیت، اخلاق تجاری، نظارت بر هیئت مدیره، تقسیم مدیرعامل/رئیس هیئت مدیره، حق سهامداران برای معرفی نامزدهای هیئت مدیره، بازخرید سهام و پول‌های کثیف داده شده برای تأثیرگذاری بر انتخابات است.

ساختار مدیریتی

سیستم رویه‌ها و کنترل‌های داخلی که ساختار مدیریتی یک شرکت را تشکیل می‌دهد، در ارزیابی حقوق صاحبان سهام آن شرکت نقش دارد. در سال‌های اخیر توجه به تعادل قدرت بین مدیرعامل و هیئت مدیره و به طور خاص تفاوت‌های بین مدل اروپایی و مدل آمریکایی معطوف شده است - در مطالعات ایالات متحده مشخص شده است که ۸۰٪ از شرکت‌ها دارای مدیرعاملی هستند که رئیس هیئت مدیره نیز هست، در بریتانیا و مدل اروپایی مشخص شد که ۹۰٪ از بزرگترین شرکت‌ها، شرکت‌ها نقش مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره را تقسیم می‌کنند.

روابط کارکنان

در ایالات متحده، فهرست موسکوویتز از ۱۰۰ شرکت برتر فورچون برای کار کردن، نه تنها به ابزاری مهم برای کارمندان تبدیل شده است، بلکه شرکت‌ها به شدت برای کسب جایگاهی در این فهرست رقابت می‌کنند، زیرا نه تنها به استخدام بهترین نیروی کار کمک می‌کند، بلکه به نظر می‌رسد تأثیر قابل توجهی بر ارزش‌های شرکت دارد. روابط کارکنان همچنین به نمایندگی همکاران در تصمیم‌گیری شرکت‌ها و توانایی شرکت در اتحادیه مربوط می‌شود.

جبران خسارت مدیران

اکنون از شرکت‌ها خواسته می‌شود که درصد پرداخت پاداش را فهرست کنند و سطوح پاداش مدیران پردرآمد تحت بررسی دقیق سهامداران و سرمایه‌گذاران سهام قرار می‌گیرد.

جبران خسارت کارکنان

علاوه بر جبران خسارت مدیران، پرداخت عادلانه به سایر کارمندان نیز در مدیریت یک سازمان مورد توجه است. این شامل برابری حقوق برای کارمندان از هر جنسیتی می‌شود. حسابرسی‌های برابری حقوق و نتایج این حسابرسی‌ها ممکن است طبق مقررات مختلف الزامی باشند و در برخی موارد، برای بررسی در دسترس عموم قرار گیرند. هرمان جی. استرن چهار روش را برای گنجاندن عملکرد ESG در جبران خسارت کارکنان متمایز می‌کند:

۱-اهداف ESG (اهداف فعالیت‌ها، پروژه‌ها و نتایج ESG که توسط شرکت به عنوان هدف تعیین می‌شوند).

۲-اندازه‌گیری عملکرد نسبی ESG (در مقایسه با همتایان، بر اساس ارقام کلیدی که شرکت مرتبط می‌داند)

۳- آژانس‌های رتبه‌بندی ESG (Refinitiv، S&P Trucost و RobecoSam، Sustainalytics، ISS، ESG، MSCI ESG، Vigeo Eiris، EcoVadis، Minerva Analytics و غیره)

۴- ارزیابی‌های عملکرد ESG (ارزیابی عملکرد داخلی یا مستقل با استفاده از نظرات کارشناسان، بر اساس حقایق عینی و ذهنی موجود داخلی و خارجی)

دستاوردهای ESG در دنیای واقعی

ادغام فزاینده معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در تصمیمات سرمایه‌گذاری، مجموعه‌ای از افسانه‌ها و پیش‌داوری‌ها را پیرامون اثربخشی و ارتباط واقعی آنها ایجاد کرده است. این برداشت‌های نادرست که در دنیای مالی رواج دارند، اغلب واقعیت اثربخشی سرمایه‌گذاری مبتنی بر ارزش پایدار را مبهم کرده‌اند.

سرمایه‌گذارانی که با ارزش مالی انگیزه می‌گیرند، و همچنین سرمایه‌گذارانی که با ارزش‌های اخلاقی هدایت می‌شوند، اکنون ملاحظات ESG را در تصمیمات خود لحاظ می‌کنند. این تغییر نه تنها تکاملی در انتخاب سهام فهرست‌شده مبتنی بر ارزش است، بلکه تحولی عمیق در الگوی سرمایه‌گذاری است. با این حال، این پیشرفت در برابر تصورات غلط مداوم قرار می‌گیرد.

در طول ده سال گذشته، سرمایه‌گذاری‌های ESG در ایالات متحده و اروپا به طور قابل توجهی افزایش یافته است. با این حال، کمی کردن اثرات واقعی ESG به چند دلیل دشوار است. اولاً، با وجود توجه به ESG در ادبیات، شکاف واقعی بین نظریه و واقعیت وجود دارد. کمی کردن اثرات واقعی تغییرات در شیوه‌های سرمایه‌گذاری پیچیده است زیرا برخی از متغیرها کیفی هستند نه کمی. ثانیاً، آژانس‌های رتبه‌بندی که نمرات ESG را نسبت می‌دهند، از معیارهای یکسانی استفاده نمی‌کنند که منجر به نتایج متفاوتی می‌شود. در مجموع، شرکت‌هایی که نمرات ESG بالایی دارند، سود بیشتری نسبت به سایرین دارند.

رکن اجتماعی

رکن اجتماعی به ارزیابی روابط داخلی (کارگران) و خارجی (جامعه محلی/مصرف‌کنندگان) می‌پردازد. این رکن بر حقوق بشر، سیاست‌های حفظ حریم خصوصی، شرایط کاری و ابتکاراتی که به نفع جوامع محروم است، همچنین موارد دیگر، تمرکز دارد. مطالعات نشان داده‌اند که اگر کیفیت روابط داخلی و خارجی خوب باشد، علاوه بر عملکرد مالی کسب‌وکارها، تأثیر مثبتی بر مزایای توسعه پایدار محلی و رفاه کارگران و همچنین مزایای مالی غیرمستقیم ایجاد می‌کند. زمینه‌های خاصی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ بر فشار رکن S (رکن اجتماعی) تأکید کرده‌اند. در واقع، در این زمینه خاص، نابرابری‌ها افزایش می‌یابد و بیشتر گروه‌های محروم بیشتر از سایرین رنج می‌برند.

با این حال، در چارچوب نظارتی شکافی وجود دارد زیرا هیچ توافق مشترکی در مورد ارزیابی رکن اجتماعی وجود ندارد. بنابراین، آژانس‌های رتبه‌بندی از معیارهای یکسانی استفاده نمی‌کنند که باعث ایجاد واگرایی زیاد در ارزیابی‌های مختلف می‌شود. علاوه بر این، اندازه‌گیری رکن اجتماعی دشوار است زیرا به جنبه‌های اجتماعی متکی است که از نظر تجربی محدود و قابل اندازه‌گیری هستند، به عنوان مثال این به مفاهیمی مانند رفاه و تبعیض اشاره دارد که نیاز به درک عمیق با تجزیه و تحلیل دقیق دارد. در نتیجه، ارزیابی اثرات واقعی رکن اجتماعی بسیار دشوار است.

رکن حاکمیت

رهبری شرکت، کنترل‌های داخلی، حسابرسی‌ها، تنوع و ترکیب هیئت مدیره، استراتژی‌ها و سیاست‌ها، همگی تحت رکن حاکمیت قرار می‌گیرند. در مورد حاکمیت، مشخص شده است که عملکرد مالی یک کسب و کار تحت تأثیر نهاد تصمیم‌گیری آن است. به عنوان مثال، تنوع جنسیتی، مسئولیت اجتماعی شرکتی را بهبود بخشیده و بی‌مسئولیتی اجتماعی شرکت‌ها را کاهش داده و در نتیجه، عملکرد کسب و کار را بهبود بخشیده است. تجربه هیئت مدیره و مدیریت یک شرکت به شدت با عملکرد مالی آن مرتبط بود. مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) تاکتیک‌های پایداری مورد استفاده شرکت‌ها را برای اطمینان از قابل قبول بودن عملیاتشان از نظر اخلاقی توصیف می‌کند. در مقابل، ESG برای ارزیابی پایداری کلی یک سازمان به کار گرفته می‌شود. ESG به عنوان معیار استفاده می‌شود.

طبق تحقیقات اولیه با استفاده از فیلتر ESG بر روی شاخص‌های سودآوری ارزش و مومنتوم، رکن حاکمیت شرکتی بازده پرتفوی قابل توجه و بالایی را ارائه می‌دهد. مطابق با برخی یافته‌ها، وقتی کل نمونه در نظر گرفته می‌شود، شاخص‌های زیست‌محیطی و حاکمیت شرکتی تأثیر منفی قابل توجهی بر نوسانات پرتفوی و تأثیر مطلوبی بر رشد بازده پرتفوی دارند. طبق گفته کشورها، برخی از شاخص‌ها از سایرین اهمیت کمتری دارند و یکی از آخرین نمرات عملکرد ESG مؤثر برای کشورهای در حال توسعه، حاکمیت شرکتی است.

نمرات G و همچنین نمره S معیارهای ذهنی هستند و احتمال دستکاری آنها برای افزایش عملکرد ESG بیشتر است. این دو رکن G و S نیز بیشتر در معرض سبزشویی قرار دارند.

رکن محیط زیست

رکن محیط زیست (E) از ESG، با در نظر گرفتن عناصری مانند ردپای کربن، سطح آلودگی، مدیریت منابع، وابستگی به سوخت‌های فسیلی و تلاش برای مقابله با تغییرات اقلیمی، چگونگی تأثیر یک صنعت بر محیط زیست را ارزیابی می‌کند. پرداختن به این مسائل برای ثبات مالی بلندمدت یک شرکت ضروری است. سرمایه‌گذاران فرصت‌هایی را در فعالیت‌های سازگار با محیط زیست شناسایی می‌کنند که می‌تواند منجر به مزایای رقابتی در کالاها و خدمات سازگار با محیط زیست شود. نمونه‌هایی از این شیوه‌ها شامل استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، حفاظت از منابع، کاهش آلودگی و کاهش ردپای کربن است. علیرغم توجه ESG، شکاف تحقیقاتی قابل توجهی در اجرای شیوه‌های ESG برای کاهش انتشار کربن در صنعت وجود دارد.

یک ارزیابی اخیر OECD در مورد ESG، رویکردهای مختلف امتیاز E را ارزیابی کرد. همبستگی‌های بالا و پایین هنگام مقایسه امتیاز رکن E با کل امتیازات ESG از ارائه دهندگان مختلف مشاهده شد. این به این دلیل است که آژانس‌های رتبه‌بندی از اندازه‌گیری‌های ESG مختلفی استفاده می‌کنند و در درجه اول بر مسائل زیست محیطی تمرکز دارند. مطالعه OECD نتایج شگفت‌انگیز متفاوتی را ارائه می‌دهد. اولاً، این تحقیق نشان می‌دهد که امتیاز بالاتر در ستون کلی E همیشه با اثر زیست‌محیطی پایین همراه نیست، با تجزیه و تحلیل عواملی مانند کل انتشار CO2 و معادل CO2، کل زباله‌های ایجاد شده، کل انرژی مصرفی و کل مصرف آب. به طور غیرمنتظره‌ای، امتیاز کلی ستون E و کل انتشار CO2 همبستگی مثبت داشتند. ثانیاً، دو ارائه‌دهنده گزارش می‌دهند که انتشار CO2

معمولاً در شرکت‌هایی با بالاترین رتبه‌بندی ESG بیشتر است. به طور مشابه، ارائه‌دهندگان داده‌های مختلف امتیازهای بالاتر ستون E را به سازمان‌هایی اختصاص می‌دهند که زباله‌های خطرناک و غیرخطرناک بیشتری تولید می‌کنند. علاوه بر این، تأثیر فشارهای نظارتی در کاهش انتشار آلودگی مشاغل با جبران خسارت زیست‌محیطی افزایش می‌یابد. این نشان می‌دهد که عملکرد زیست‌محیطی بهبود یافته ناشی از ترکیب خودتنظیمی موفق حاصل از مکانیسم‌های حاکمیتی و فشار نظارتی است. بنابراین، داشتن امتیاز ESG بالا همیشه به نظر نمی‌رسد که همیشه تأثیر مثبت و قابل اندازه‌گیری بر محیط زیست داشته باشد، اما منجر به انگیزه‌های مالی بیشتر می‌شود: سود بیشتر و سهم بازار بزرگتر.

سرمایه‌گذاری مسئولانه

سه حوزه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی ارتباط نزدیکی با مفهوم سرمایه‌گذاری مسئولانه (RI) دارند. RI به عنوان یک حوزه سرمایه‌گذاری خاص آغاز شد و نیازهای کسانی را که مایل به سرمایه‌گذاری بودند اما می‌خواستند این کار را در چارچوب پارامترهای اخلاقی تعریف‌شده انجام دهند، برآورده می‌کرد. در سال‌های اخیر، به بخش بسیار بزرگتری از بازار سرمایه‌گذاری تبدیل شده است. تا ژوئن ۲۰۲۰، جریان‌های ورودی به صندوق‌های پایدار ایالات متحده به ۲۰/۹ میلیارد دلار رسید که تقریباً با جریان‌های ۲۱/۴ میلیارد دلاری سال ۲۰۱۹ مطابقت دارد. تا پایان سال ۲۰۲۰، جریان‌های ورودی به صندوق‌های پایدار ایالات متحده از ۵۱ میلیارد دلار فراتر رفت. در سطح جهانی، صندوق‌های پایدار در پایان سال ۲۰۲۰، ۱/۶۵ تریلیون دلار دارایی داشتند.

گزارش‌های شرکتی ESG می‌توانند توسط ذینفعان برای ارزیابی ریسک‌ها و فرصت‌های مرتبط با پایداری مرتبط با یک سازمان مورد استفاده قرار گیرند. سرمایه‌گذاران همچنین ممکن است از داده‌های ESG فراتر از ارزیابی ریسک‌های مادی برای سازمان در ارزیابی ارزش شرکت استفاده کنند، به ویژه با طراحی مدل‌هایی مبتنی بر فرضیاتی که شناسایی، ارزیابی و مدیریت ریسک‌ها و فرصت‌های مرتبط با پایداری با توجه به همه ذینفعان سازمانی منجر به بازده تعدیل‌شده با ریسک بلندمدت بالاتر می‌شود.

استراتژی‌های سرمایه‌گذاری

RI به دنبال کنترل محل سرمایه‌گذاری‌های خود از طریق چندین روش است:

انتخاب مثبت؛ جایی که سرمایه‌گذار به طور فعال شرکت‌هایی را که در آنها سرمایه‌گذاری می‌کند انتخاب می‌کند؛ این کار را می‌توان یا با پیروی از مجموعه‌ای تعریف‌شده از معیارهای ESG یا با بهترین روش در کلاس انجام داد که در آن زیرمجموعه‌ای از شرکت‌های با عملکرد بالا شرکت‌های منطبق با ESG برای گنجاندن در یک پرتفوی سرمایه‌گذاری انتخاب می‌شوند.

فعالیت؛ رأی‌گیری استراتژیک سهامداران در حمایت از یک موضوع خاص یا ایجاد تغییر در حاکمیت شرکت.

مشارکت؛ صندوق‌های سرمایه‌گذاری بر عملکرد ESG همه شرکت‌های پرتفوی نظارت می‌کنند و گفتگوهای سازنده تعامل سهامداران را با هر شرکت برای اطمینان از پیشرفت هدایت می‌کنند.

نقش مشاوره‌ای؛ سرمایه‌گذاران نهادی و سهامداران بزرگتر تمایل دارند در آنچه که به عنوان "دیپلماسی آرام" شناخته می‌شود، با جلسات منظم با مدیریت ارشد به منظور تبادل اطلاعات و عمل به عنوان سیستم‌های هشدار اولیه برای ریسک و مسائل استراتژیک یا حاکمیتی، مشارکت کنند. حذف؛ حذف بخش‌ها یا شرکت‌های خاص از بررسی برای سرمایه‌گذاری، بر اساس معیارهای خاص ESG.

ادغام؛ گنجاندن ریسک‌ها و فرصت‌های ESG در تحلیل مالی سنتی ارزش سهام.

با این حال، با انجام این کار، ریسک‌های اضافی ایجاد می‌شود.

ریسک تمرکز؛ برای مثال، در مقایسه با شاخص FTSE All-World، شاخص FTSE4Good وزن بیشتری به سمت شرکت‌های فناوری دارد

عدم اثربخشی در حذف برخی صنایع؛ شرکت‌های متخصص در الکل، دخانیات، قمار، دفاع، هوش مصنوعی، ارزهای دیجیتال، نفت، گاز و زغال سنگ هنوز در شاخص‌های اصلی حضور دارند

رابطه بین ESG و ارزش‌گذاری شرکت‌ها

مطالعات متعددی این فرض را که افزایش سرمایه‌گذاری در معیارهای ESG همیشه به ارزش شرکت کمک می‌کند، زیر سوال برده‌اند. برخی از محققان معتقدند که سرمایه‌گذاری بیش از حد یا نظارت بیش از حد بر ابتکارات ESG نه تنها می‌تواند بی‌اثر باشد، بلکه برای ارزش‌گذاری یک شرکت نیز نتیجه معکوس دارد. در موارد خاص، سرمایه‌گذاری بیش از حد در ESG توسط شرکت‌ها یا نظارت بیش از حد توسط سرمایه‌گذاران ممکن است مزایای مورد انتظار را محدود کند.

در این زمینه، تحقیقات نشان می‌دهد که رابطه بین عملکرد ESG و ارزش‌گذاری شرکت‌ها ممکن است غیرخطی باشد و ویژگی‌های چندجمله‌ای مانند الگوهای U شکل معکوس را نشان دهد. این به معنای وجود یک سطح بهینه از سرمایه‌گذاری ESG است که در آن مزایای ارزیابی شرکت‌ها به حداکثر می‌رسد، و فراتر از آن ممکن است بازده نزولی یا حتی اثرات نامطلوب ایجاد شود.

سرمایه‌گذاران نهادی

یکی از نشانه‌های تعیین‌کننده بازار سرمایه‌گذاری مدرن، واگرایی در رابطه بین شرکت و سرمایه‌گذاران سهام آن است. سرمایه‌گذاران نهادی به مالکان اصلی سهام تبدیل شده‌اند - از ۳۵٪ در سال ۱۹۸۱ به ۵۸٪ در سال ۲۰۰۲ در ایالات متحده و از ۴۲٪ در سال ۱۹۶۳ به ۸۴/۷٪ در سال ۲۰۰۴ در بریتانیا افزایش یافته‌اند و مؤسسات تمایل دارند بر اساس یک استراتژی سرمایه‌گذاری بلندمدت کار کنند. شرکت‌های بیمه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و صندوق‌های بازنشستگی با تعهدات پرداخت بلندمدت، بسیار بیشتر از سرمایه‌گذاران انفرادی که به دنبال سود کوتاه‌مدت است، به پایداری بلندمدت سرمایه‌گذاری‌های خود علاقه‌مند هستند. در مواردی که یک صندوق بازنشستگی مشمول ERISA می‌شود، محدودیت‌های قانونی در مورد میزان تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری بر اساس عواملی غیر از به حداکثر رساندن بازده اقتصادی شرکت‌کنندگان در طرح وجود دارد.

با توجه به این باور که پرداختن به مسائل ESG، بازده پرتفوی را محافظت و افزایش می‌دهد، سرمایه‌گذاری مسئولانه به سرعت در حال تبدیل شدن به یک نگرانی اصلی در صنعت نهادی است. تا اواخر سال ۲۰۱۶، بیش از یک سوم سرمایه‌گذاران نهادی (که معمولاً به عنوان LP شناخته می‌شوند) مستقر در اروپا و آسیا و اقیانوسیه گفتند که ملاحظات ESG نقش اصلی یا اساسی در امتناع از تعهد به یک صندوق سهام خصوصی داشته است، در حالی که همین امر در مورد یک پنجم LPهای آمریکای شمالی نیز صادق است. در واکنش به علاقه سرمایه‌گذاران به ESG، انجمن‌های سهام خصوصی و سایر انجمن‌های صنفی صنعت، تعدادی از بهترین شیوه‌های ESG را توسعه داده‌اند، از جمله پرسشنامه بررسی دقیق برای مدیران صندوق‌های خصوصی و سایر مدیران دارایی تا قبل از سرمایه‌گذاری در یک شرکت پرتفوی از آن استفاده کنند.

در نیمه دوم سال ۲۰۱۹، شتاب آشکاری در تغییر نهادی به سمت سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر ESG مشاهده شد. مفهوم «سرمایه‌گذاری مبتنی بر «SDG» در نیمه دوم سال ۲۰۱۹، به‌ویژه در میزگرد باز نشستگی G7 که در بیاریتز، ۲۶ آگوست ۲۰۱۹ برگزار شد، و میزگرد تجاری که در واشنگتن دی سی، در ۱۹ آگوست ۲۰۱۹ برگزار شد، در میان صندوق‌های باز نشستگی، صندوق‌های ثروت ملی و مدیران دارایی، جایگاه بیشتری پیدا کرد.

شبکه‌هایی از سرمایه‌گذاران نهادی متعهد به مهار تغییرات اقلیمی پدیدار شده‌اند، که در آن‌ها سرمایه‌گذاران نهادی موافقت می‌کنند که خود را در قبال اهداف اقدامات اقلیمی پاسخگو بدانند. یکی از این نمونه‌ها، گروه سرمایه‌گذاران نهادی در زمینه تغییرات اقلیمی است که به دنبال دستیابی به پیشرفت قابل توجه به صفر خالص تا سال ۲۰۳۰ است. علاوه بر این، این شبکه‌ها با چارچوب‌های سرمایه‌گذاری برای «ارزیابی» پیشرفت شرکت‌ها به سمت انتشار صفر خالص همکاری کرده‌اند، که یکی از این چارچوب‌ها، «اقدام اقلیمی +۱۰۰» است، مجموعه‌ای از معیارها که برای ارزیابی شرکت‌هایی که بیشترین مقدار گازهای گلخانه‌ای را منتشر می‌کنند، استفاده می‌شود.

اصول سرمایه‌گذاری مسئولانه

ابتکار اصول سرمایه‌گذاری مسئولانه (PRI) در سال ۲۰۰۵ توسط دانشگاه تاسیس شد. ابتکار مالی برنامه محیط زیست سازمان ملل و پیمان جهانی سازمان ملل به عنوان چارچوبی برای بهبود تحلیل مسائل ESG در فرآیند سرمایه‌گذاری و کمک به شرکت‌ها در اعمال شیوه‌های مالکیت مسئولانه. تا آوریل ۲۰۱۹، بیش از ۲۳۵۰ امضاکننده PRI وجود دارد.

اصول استوا

اصول استوا یک چارچوب مدیریت ریسک است که توسط موسسات مالی برای تعیین، ارزیابی و مدیریت ریسک زیست‌محیطی و اجتماعی در تامین مالی پروژه اتخاذ شده است. این اصول در درجه اول برای ارائه حداقل استاندارد برای بررسی دقیق جهت پشتیبانی از تصمیم‌گیری مسئولانه در مورد ریسک در نظر گرفته شده است. تا اکتبر ۲۰۱۹، ۹۷ موسسه مالی پذیرنده در ۳۷ کشور رسماً اصول استوا را پذیرفته بودند، اکثر بدهی‌های بین‌المللی تامین مالی پروژه در بازارهای نوظهور و توسعه‌یافته. موسسات مالی اصول استوا (EPFI) متعهد می‌شوند که به پروژه‌هایی که وام‌گیرنده نمی‌خواهد یا نمی‌تواند سیاست‌ها و رویه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی مربوطه خود را رعایت کند، وام ارائه ندهند.

اصول استوا، که رسماً در ۴ ژوئن ۲۰۰۳ در واشنگتن دی سی آغاز شد، بر اساس چارچوب‌های سیاست زیست‌محیطی و اجتماعی موجود که توسط شرکت بین‌المللی مالی ایجاد شده بود، بنا شده بود. این استانداردها متعاقباً به صورت دوره‌ای در قالب آنچه که معمولاً به عنوان استانداردهای عملکرد شرکت بین‌المللی مالی در مورد پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی و دستورالعمل‌های زیست‌محیطی، بهداشت و ایمنی گروه بانک جهانی شناخته می‌شود، به‌روزرسانی شده‌اند.

تأثیرات بر عملکرد شرکت

عملکرد مالی یک شرکت نشان دهنده سلامت مالی کلی آن است - به عبارت دیگر، از آن برای تأیید قابلیت حیات و پتانسیل رشد شرکت استفاده می‌شود. یک مطالعه در سال ۲۰۲۴ توسط ساسن و اثر نشان می‌دهد که سطوح بالاتر عملکرد ESG (که به عنوان ESG Tilt شناخته می‌شود) و تغییرات در عملکرد ESG در طول زمان (ESG Momentum) با افزایش رضایت کارکنان در شرکت‌های S&P 500 همبستگی مثبت دارند، که این امر با ادراک عدالت سازمانی و انتظارات از پاداش‌های آینده مرتبط است. چنین عوامل ناملموس، حلقه‌های مفقوده بین عملکرد ESG مشاهده‌شده و نتایج مالی یک شرکت فرض می‌شوند.

مطالعات دیگر نشان داده‌اند که ادغام معیارهای ESG در محصولات بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. طبق مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۵ توسط فرید، بوش و باسن انجام شد، بین عملکرد ESG و عملکرد مالی، پیوند مثبتی وجود دارد که در ۹۰٪ موارد ثابت شده است. این پیوند مثبت را می‌توان با کاهش ریسک‌پذیری توضیح داد. ادغام معیارهای ESG، خطرات بالقوه مرتبط با ESG را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال، رعایت استانداردهای زیست‌محیطی از تحریم‌های خاصی که بر جنبه مالی تأثیر می‌گذارند، جلوگیری می‌کند. مطالعه دیگری در همین راستا اشاره می‌کند و ادعا می‌کند که انتشار گزارش‌های پایداری، عملکرد مالی و اعتبار را بهبود می‌بخشد و منجر به ایجاد یک مزیت رقابتی قابل توجه برای شرکت می‌شود. علاوه بر این، این افشا با بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط مثبت دارد.

شرکت‌هایی که معیارهای ESG را اتخاذ می‌کنند، تمایل بیشتری به تولید سود بالاتر دارند، زیرا سرمایه‌گذاران بیشتر به سمت محصولات سازگارتر با محیط زیست و پایدار گرایش دارند. این سرمایه‌گذاران اکنون این دستورالعمل‌ها را در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود بیشتر در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر، هدف از ادغام یک سیاست ESG، تأثیر مثبت بر عملکرد مالی برای پوشش هزینه‌هایی است که ایجاد می‌کند.

با وجود همبستگی مثبت بین گنجاندن معیارهای ESG و عملکرد مالی، این بدان معنا نیست که هدف اصلی شرکت‌ها مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست‌محیطی است. به گفته فریدمن (۱۹۶۲)، "هدف اصلی یک شرکت افزایش ثروت ذینفعان آن است". علاوه بر این، تبلیغات ESG فرصت خوبی برای بسیاری از سرمایه‌گذاران شرکتی برای کسب درآمد است. هنوز هیچ معیار جهانی برای ارزیابی اینکه آیا یک صندوق ESG است یا خیر، وجود ندارد. سرمایه‌گذاران برای انجام سرمایه‌گذاری‌های خود به رتبه‌بندی‌ها تکیه می‌کنند، اما این رتبه‌بندی‌ها همیشه تصویر کاملی از عملکرد ESG را منعکس نمی‌کنند، زیرا بر اساس داده‌های ناقص ارائه شده توسط خود شرکت هستند. عملکردهای خوب ESG سرمایه‌گذاران را جذب و حفظ می‌کند. در نهایت، اگرچه بسیاری از مطالعات رابطه مثبتی بین عملکرد خوب ESG و عملکرد مالی نشان می‌دهند، مطالعات دیگر ثابت می‌کنند که تعیین کمیت اثر مالی واقعی بهبود عملکرد اجتماعی یک شرکت دشوار است.

اختصاص یک ارزش پولی دقیق به مسائل ESG، اگر نگوییم دشوار، اما پیچیده است. مدل‌های کمی و رتبه‌بندی‌های ESG تعیین‌شده همیشه این ارزش‌ها را به طور کافی ثبت نمی‌کنند و ادغام آنها را در تصمیمات سرمایه‌گذاری بر اساس داده‌های مالی کوتاه‌مدت دشوار می‌کنند.

در ابتدا، مطالعات بر تأثیر CSR بر عملکرد مالی با استفاده از مدل‌هایی مانند CAPM متمرکز بودند. تحقیقات اولیه، مانند تحقیقات الکساندر و بوخهولز در سال ۱۹۷۸، هیچ ارتباط معناداری بین اقدامات مسئولانه اجتماعی و ... پیدا نکردند. بازده بازار سهام. مطالعات بعدی، مانند مطالعات کوکران و وود در سال ۱۹۸۴، آپرل، کارول و هاتفیلد در سال ۱۹۸۵، و بلکبرن، دوران و شرادر در سال ۱۹۹۴، این عدم همبستگی بین ESG و عملکرد مالی شرکت‌ها را، علیرغم رویکردهای روش‌شناختی متفاوت، تأیید کردند.

حتی زمانی که مطالعات تلاش کرده‌اند تا به طور خاص عملکرد مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکتی را اندازه‌گیری کنند، مانند مطالعات آپرل، کارول و هاتفیلد در سال ۱۹۸۵، با استفاده از معیارهای سودآوری تعدیل‌شده بر اساس ریسک، به نتایج مشابهی رسیده‌اند: عدم وجود رابطه معنادار بین CSR و سودآوری شرکت‌ها.

آمار

بریتانیا

طبق یک نظرسنجی ملی از Finder UK، بیش از نیمی (۵۷٪) از سرمایه‌گذاران بریتانیایی سرمایه‌گذاری ESG دارند. نسل Z محتمل‌ترین نسل برای سرمایه‌گذاری از طریق ESG است، به طوری که ۶۶٪ از پاسخ‌دهندگان ادعا می‌کنند که به سرمایه‌گذاری ESG علاقه‌مند هستند. مشخص شد که نسل انفجار جمعیت کمترین احتمال را برای سرمایه‌گذاری اخلاقی دارند و تنها ۱۱٪ از این نسل قصد سرمایه‌گذاری در یک سرمایه‌گذاری اخلاقی را دارند.

لوکزامبورگ

با وجود پیشرفت، اقدامات بیشتری در صنایع جهانی مورد نیاز است. امور مالی پایدار در بخش مالی به عنوان یک رکن اساسی ظهور می‌کند و ملاحظات ESG را در تصمیمات سرمایه‌گذاری، نه صرفاً به عنوان یک گزینه، بلکه به عنوان یک ضرورت حیاتی برای آینده‌ای عادلانه، پایدار و فراگیر، ادغام می‌کند.

لوکزامبورگ با دارایی‌های صندوق‌های ESG که به ۲/۸ تریلیون یورو رسیده‌اند و حدود ۶۷/۳٪ از صندوق UCITS AuM این کشور را تشکیل می‌دهند، نمونه‌ای از این تغییر است. اکثر این صندوق‌ها (۵۹/۱٪) از استراتژی‌های حذف استفاده می‌کنند و بخش‌هایی مانند سلاح، دخانیات و انرژی فسیلی را هدف قرار می‌دهند و با روندهای سرمایه‌گذاری مسئولانه همسو هستند. نکته قابل توجه این است که صندوق‌های مشارکت ESG بر زیراستراتژی‌هایی مانند بهترین در کلاس و SDG تمرکز می‌کنند و اهمیت آنها را برجسته می‌کنند.

با این حال، هماهنگی محدودی بین نهادهای مستقر در لوکزامبورگ با ابتکارات اقلیمی مانند GFANZ، PCAF و SBTi وجود دارد که خواستار پذیرش گسترده‌تر در بخش‌های مختلف برای تقویت پایداری هستند. همزمان، بورس‌های اوراق بهادار نقش محوری در پیشبرد پایداری ایفا می‌کنند. آنها ضمن محافظت در برابر سبزشویی، فرصت‌هایی را برای ناشران جدید ایجاد می‌کنند. گسترش LGX به اوراق قرضه اجتماعی و پایدار فراتر از اوراق قرضه سبز، نشان‌دهنده علاقه روزافزون به همسوسازی اهداف زیست‌محیطی و اجتماعی است. با وجود مهارت لوکزامبورگ در امتیازات ESG حاکمیتی، رتبه‌بندی شرکت‌ها داستان متفاوتی را روایت می‌کند، به‌ویژه در مورد کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای. این واگرایی در رتبه‌بندی‌ها برای سرمایه‌گذاران در فرآیندهای تصمیم‌گیری‌شان بسیار مهم است.

در حالی که تلاش‌های لوکزامبورگ در امور مالی پایدار ستودنی است، این سفر در مراحل ابتدایی خود است. چالش‌هایی مانند دسترسی به داده‌ها، استانداردسازی و افشا همچنان ادامه دارد. تقویت این جنبه‌ها برای توسعه بخش و اندازه‌گیری مؤثر پیشرفت بسیار مهم است. نقش محوری لوکزامبورگ در امور مالی پایدار، همراه با تخصص قوی و تعهد سیاسی آن، ابتکارات نوآورانه‌ای را به وجود آورده است. LSFI، که جزئی جدایی‌ناپذیر از این امر است، با هدف گذار پایدار بخش مالی لوکزامبورگ فعالیت می‌کند.

استراتژی LSFI، همسو با تعهدات بین‌المللی لوکزامبورگ، بر سه ستون عمل می‌کند: افزایش آگاهی و ترویج، آزادسازی پتانسیل و اندازه‌گیری پیشرفت. برنامه عملیاتی LSFI بر ارتقای آگاهی در مورد امور مالی پایدار، به اشتراک‌گذاری دانش و ایجاد یک چارچوب نظارتی تمرکز دارد. این استراتژی که با همکاری دولت و نمایندگان بخش مالی تدوین شده است، لوکزامبورگ را در خط مقدم امور مالی پایدار در سطح جهانی قرار می‌دهد و هدف آن حمایت از گذار بخش مالی آن به سمت پایداری به عنوان یک نهاد هماهنگ‌کننده است.

آژانس‌های رتبه‌بندی ESG

آژانس‌های رتبه‌بندی ESG واسطه‌های اصلی سرمایه‌گذاری ESG هستند. Sustainalytics تعداد شرکت‌های رتبه‌بندی ESG در این اکوسیستم را در سال ۲۰۱۸ بیش از ۶۰۰ شرکت تخمین زده است.

بازار ارائه‌دهندگان رتبه‌بندی ESG روند فزاینده‌ای از تمرکز را تجربه می‌کند. برای مثال، شرکت جمع‌آوری داده‌ها مورنینگ‌استار تا سال ۲۰۱۷، ۴۰٪ از سهام Sustainalytics را در اختیار گرفت. پس از آن، آژانس رتبه‌بندی مودیز در سال ۲۰۱۹، ویگنو ایریس، رهبر سابق آژانس‌های رتبه‌بندی ESG اروپا را خریداری کرد. خدمات سهامداران نهادی (ISS) شرکت آلمانی Oekom را خریداری کرد، در حالی که S&P Global کسب و کار رتبه‌بندی ESG شرکت RobecoSAM را به دست آورد. ساختار بازار بین چند ارائه‌دهنده بسیار بزرگ غیر اتحادیه اروپا از یک طرف و تعداد زیادی ارائه‌دهنده کوچک‌تر اتحادیه اروپا از طرف دیگر تقسیم شده است.

در این اکوسیستم بسیار متمرکز، گروه‌های کوچکی از ارائه‌دهندگان شاخص بزرگ، مانند MSCI، نقش محوری در تعیین استانداردهایی برای آنچه که عموماً به عنوان تأمین مالی پایدار پذیرفته می‌شود، ایفا می‌کنند.

در مورد طبقه‌بندی آژانس‌های رتبه‌بندی ESG بر اساس هدف، تمایز قائل شدن بین دو خوشه رتبه‌بندی ESG خصوصی بسیار مهم است. اول، آژانس‌های رتبه‌بندی ریسک ESG (مثلاً MSCI، FTSE Russell، S&P، Sustainalytics)، هدف آنها اندازه‌گیری میزان آسیب‌پذیری یک شرکت در برابر ریسک‌های ESG است - به این معنی که عوامل خارجی منفی بر شرکت تأثیر می‌گذارند - نه اقدام مشخص در مورد سه عامل. دوم، آژانس‌های رتبه‌بندی اثربخشی ESG (مثلاً Refinitiv، Inrate، Sensefolio، ECPI، Moody's) که تعهد، ادغام و نتایج عوامل ESG و در نتیجه تأثیر بیرونی آن بر جامعه را اندازه‌گیری می‌کند.

این طبقه‌بندی برای درک سردرگمی پیرامون ناکارآمدی رتبه‌بندی‌های ESG در مواجهه با چالش‌های بزرگ پیش رو در مورد این سه عامل مفید است. در واقع، شرکتی با امتیاز بالاتر لزوماً به معنای تأثیر قوی زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر جهان نیست، بلکه به معنای قرار گرفتن کم در معرض خطرات ESG است.

مدیران دارایی و سایر مؤسسات مالی به طور فزاینده‌ای برای ارزیابی، اندازه‌گیری و مقایسه عملکرد ESG شرکت‌ها به آژانس‌های رتبه‌بندی ESG متکی هستند. اخیراً، نشریاتی مانند Newsweek از داده‌های ESG ارائه شده توسط شرکت‌های تحقیقات بازار مانند Statista برای رتبه‌بندی مسئولیت‌پذیرترین سازمان‌های یک کشور استفاده کرده‌اند.

ارائه‌دهندگان داده مانند ESG Analytics از هوش مصنوعی برای رتبه‌بندی شرکت‌ها و تعهد آنها به ESG استفاده کرده‌اند. هر آژانس رتبه‌بندی از معیارهای خاص خود برای اندازه‌گیری سطح انطباق با ESG استفاده می‌کند و در حال حاضر، هیچ مجموعه استانداردهای مشترکی در سطح صنعت وجود ندارد.

در آمریکای لاتین، موسسه کیفیت آمریکای لاتین با دفتر مرکزی در پاناما و فعالیت در ۱۹ کشور، با بیش از ۱۰,۰۰۰ گواهینامه صادر شده، این جنبش را رهبری می‌کند.

افشا و تنظیم مقررات

ده سال اول قرن بیست و یکم شاهد رشد در بازار سرمایه‌گذاری تعریف‌شده ESG بوده است. نه تنها اکثر بانک‌های بزرگ جهان دارای بخش‌هایی هستند که منحصراً به سرمایه‌گذاری مسئولانه می‌پردازند، بلکه شرکت‌های بوتیک متخصص در مشاوره و راهنمایی در مورد سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با محیط زیست، اجتماع و حاکمیت شرکتی نیز در حال افزایش هستند. یکی از جنبه‌های اصلی بخش ESG بازار بیمه که منجر به این تمایل به افزایش می‌شود، ماهیت اساساً ذهنی اطلاعاتی است که می‌توان بر اساس آن انتخاب سرمایه‌گذاری انجام داد. طبق تعریف، داده‌های ESG کیفی هستند؛ غیرمالی هستند و به راحتی از نظر پولی قابل اندازه‌گیری نیستند. بازار سرمایه‌گذاری مدت‌هاست که با این دارایی‌های ناملموس سروکار دارد - متغیرهایی مانند سرقتی به طور گسترده به عنوان متغیرهایی که در ارزش یک شرکت نقش دارند، پذیرفته شده‌اند. اما دارایی‌های ناملموس ESG نه تنها بسیار ذهنی هستند، بلکه اندازه‌گیری و مهم‌تر از آن، تأیید آنها نیز به ویژه دشوار است. فقدان استانداردهای روشن و نظارت شفاف منجر به این نگرانی شده است که اظهارات ESG عمدتاً در خدمت اهداف سبزشویی و سایر اهداف روابط عمومی شرکت باشد، در حالی که از ابتکارات اساسی‌تر برای بهبود محیط زیست و جامعه منحرف می‌شود.

یکی از مسائل اصلی در حوزه ESG، افشا است. خطرات زیست‌محیطی ایجاد شده توسط فعالیت‌های تجاری، اثرات منفی واقعی یا بالقوه‌ای بر هوا، زمین، آب، اکوسیستم‌ها و سلامت انسان دارند. اطلاعاتی که یک سرمایه‌گذار بر اساس آن در سطح مالی تصمیم‌گیری می‌کند، به سادگی جمع‌آوری می‌شود. حساب‌های شرکت را می‌توان بررسی کرد و اگرچه رویه‌های حسابداری کسب‌وکار شرکتی پس از موجی از رسوایی‌های مالی اخیر به طور فزاینده‌ای بی‌اعتبار می‌شوند، اما ارقام تا حد زیادی از نظر خارجی قابل تأیید هستند. با توجه به ملاحظات ESG، رویه این بوده است که شرکت مورد بررسی، ارقام و افشاهای خود را ارائه دهد. این موارد به ندرت به صورت خارجی تأیید شده‌اند و فقدان استانداردها و مقررات جهانی در حوزه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی به این معنی است که اندازه‌گیری چنین آماری، حداقل می‌توان گفت، ذهنی است.

یکی از راحل‌های ارائه شده برای ذهنیت ذاتی داده‌های ESG، ارائه استانداردهای پذیرفته‌شده جهانی برای اندازه‌گیری عوامل ESG است. سازمان‌هایی مانند ISO (سازمان بین‌المللی استانداردسازی) استانداردهای بسیار تحقیق‌شده و پذیرفته‌شده‌ای را برای بسیاری از حوزه‌های تحت پوشش ارائه می‌دهند. برخی از مشاوران سرمایه‌گذاری، مانند Probus-Sigma، روش‌هایی را برای محاسبه رتبه‌بندی برای شاخص رتبه‌بندی مبتنی بر ESG ایجاد کرده‌اند که هم مبتنی بر استانداردهای ISO است و هم به صورت خارجی تأیید شده است، اما رسمیت بخشیدن به پذیرش چنین استانداردهایی به عنوان مبنای محاسبه و تأیید افشای ESG به هیچ وجه جهانی نیست.

جنبه حاکمیت شرکتی این موضوع، در زمینه تنظیم و استانداردسازی، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است، زیرا سابقه طولانی‌تری در تنظیم مقررات در این زمینه وجود دارد. در سال ۱۹۹۲، بورس اوراق بهادار لندن و کمیسیون گزارشگری مالی، کمیسیون کادبری را برای بررسی مجموعه‌ای از شکست‌های مدیریتی که شهر لندن را به ستوه آورده بود، مانند ورشکستگی‌های BCCI، Polly Peck و گروه Mirror رابرت مکسول، تأسیس کردند. نتایجی که این کمیسیون به آن دست یافت، در سال ۲۰۰۳ در قالب قانون ترکیبی حاکمیت شرکتی گردآوری شد که به طور گسترده (اگرچه به طور پراکنده اعمال شده است) توسط دنیای مالی به عنوان معیاری برای شیوه‌های خوب حاکمیت شرکتی پذیرفته شده است.

در مصاحبه‌ای با یاهو فایننس، فرانسیس مناسا (JAR Capital) می‌گوید: «دستورالعمل گزارشگری غیرمالی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴ برای هر کشوری در یک کشور اعمال خواهد شد.» سطح نهایی برای پیاده‌سازی و الزام شرکت‌های بزرگ به افشای اطلاعات غیرمالی و تنوع. این همچنین شامل ارائه اطلاعات در مورد نحوه عملکرد و مدیریت چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی آنها می‌شود. هدف، کمک به سرمایه‌گذاران، مصرف‌کنندگان، سیاست‌گذاران و سایر ذینفعان برای ارزیابی عملکرد غیرمالی شرکت‌های بزرگ است. در نهایت، این دستورالعمل شرکت‌های اروپایی را تشویق می‌کند تا رویکردی مسئولانه در تجارت اتخاذ کنند.

یکی از حوزه‌های کلیدی مورد توجه در بحث مربوط به قابلیت اطمینان افشای اطلاعات ESG، ایجاد رتبه‌بندی‌های معتبر برای شرکت‌ها در مورد عملکرد ESG است. بازارهای مالی جهان همگی به ارائه شاخص‌های رتبه‌بندی مرتبط با ESG، شاخص پایداری داو جونز، شاخص FTSE4Good (که متعلق به بورس اوراق بهادار لندن و فایننشال تایمز است)، داده‌های ESG بلومبرگ، شاخص‌های ESG MSCI و معیارهای GRESB پرداخته‌اند.

نهادهای نظارتی اروپایی قوانین مشخصی را برای مقابله با مشکل سبزشویی معرفی کرده‌اند. این قوانین شامل مجموعه‌ای از اقدامات قانونی ناشی از طرح اقدام کمیسیون اروپا در مورد تأمین مالی پایدار است.

در مارس ۲۰۲۱، کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده (SEC) اعلام کرد که بررسی انطباق با مقررات مربوط به افشای اطلاعات ESG، حوزه تمرکز این آژانس خواهد بود. در همان ماه، اداره امنیت مزایای کارکنان (EBSA) وزارت کار ایالات متحده اعلام کرد که قانون نهایی دولت ترامپ برای امانتداران در رأی‌گیری وکالتی تحت قانون امنیت درآمد بازنشستگی کارکنان مصوب ۱۹۷۴ (ERISA) را بررسی و اجرا خواهد کرد تا فقط منافع مالی و نه عوامل ESG را در سرمایه‌گذاری‌ها برای ۴۰۱ (k) طبق دستور اجرایی ۱۳۹۹۰ در نظر بگیرد. گری گنسلر، رئیس SEC، در اظهاراتی که از طریق ویدئو کنفرانس به کمیته امور اقتصادی و پولی پارلمان اروپا در سپتامبر ۲۰۲۱ ارائه داد، اظهار داشت که این آژانس در حال تهیه توصیه‌هایی برای الزامات افشای جدید برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری ESG است. در اکتبر ۲۰۲۱، EBSA پیشنهاد لغو قانون نهایی ERISA دولت ترامپ برای امانتداران در رأی‌گیری وکالتی در سرمایه‌گذاری‌های ESG برای ۴۰۱ (k) را داد.

در نوامبر ۲۰۲۱، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) قانون دولت ترامپ را که در سال ۲۰۱۷ صادر شده بود و به مدیران شرکت‌ها اجازه می‌داد پیشنهادها ESG را از سهامداران در صورت‌های مالی سالانه حذف کنند، لغو کرد. در ماه مه ۲۰۲۲، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) دو تغییر قانون در صلاحیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری ESG پیشنهاد داد تا از شیوه‌های بازاریابی سبزشویی جلوگیری کند و الزامات افشا برای دستیابی به اثرات ESG را افزایش دهد. در اکتبر ۲۰۲۲، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) اعلام کرد که به دلیل خطای فنی در فرم ارسال نظر عمومی اینترنتی SEC، پنجره نظرات عمومی را برای پیشنهاد قوانین افشای ESG دوباره باز خواهد کرد. در نوامبر ۲۰۲۲، EBSA قانون نهایی را اعلام کرد که الزام تنها سود نقدی دولت ترامپ را برای متولیان در رأی‌گیری وکالتی تحت ERISA هنگام بررسی سرمایه‌گذاری‌های ESG برای ۴۰۱ (k) حذف می‌کند. در مارس ۲۰۲۳، جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده، در اولین وتوی دولت خود، لایحه‌ای را که توسط کنگره ۱۱۸ ایالات متحده با آرای حزبی برای لغو قانون رأی‌گیری وکالتی (ERISA 401(k) EBSA برای سرمایه‌گذاری‌های ESG که در نوامبر گذشته نهایی شده بود، تصویب شده بود، رد کرد.

گزارش‌دهی

طبق گزارش ESG، سازمان‌ها موظفند داده‌هایی از منابع مالی و غیرمالی ارائه دهند که نشان می‌دهد آنها استانداردهای آژانس‌هایی مانند هیئت استانداردهای حسابداری پایداری، ابتکار گزارش‌دهی جهانی و کارگروه افشای مالی مرتبط با آب و هوا را رعایت می‌کنند. داده‌ها همچنین باید در اختیار آژانس‌های رتبه‌بندی و سهامداران قرار گیرد.

گزارش ESG، که مخفف گزارش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی است، زمانی است که یک شرکت اطلاعاتی در مورد تأثیر خود بر محیط زیست، جامعه و نحوه اداره آن به اشتراک می‌گذارد. این نوع گزارش‌دهی معمولاً به صورت داوطلبانه انجام می‌شود، به این معنی که شرکت‌ها برای شفاف‌سازی و به اشتراک گذاشتن اطلاعات مهم با ذینفعان خود، از جمله سرمایه‌گذاران، این کار را انجام می‌دهند.

با این حال، در برخی مکان‌ها مانند هند و مناطق خاص، قوانینی وجود دارد که گزارش ESG را برای انواع خاصی از شرکت‌ها الزامی می‌کند. به عنوان مثال، در هند، یک الزام نظارتی به نام BRSR (گزارش مسئولیت‌پذیری و پایداری کسب‌وکار) وجود دارد که گزارش ESG را برای ۱۰۰۰ شرکت برتر بر اساس ارزش بازار آنها در بورس اوراق بهادار اجباری می‌کند. آنها باید این گزارش را ارائه دهند تا شفافیت و افشای اطلاعات در مورد شیوه‌های پایداری و مسئولیت‌پذیری خود را تضمین کنند.

یافته‌های تحقیق

طبق مطالعه‌ای که در سال ۲۰۲۱ توسط مرکز استرن برای تجارت پایدار دانشگاه نیویورک انجام شد و بیش از ۱۰۰۰ مطالعه را بررسی کرد، "مطالعات از نمرات متفاوتی برای شرکت‌های مختلف توسط ارائه دهندگان داده‌های مختلف استفاده می‌کنند."

گالوپ دریافته است که ۲۸٪ از کارمندان آمریکایی با این جمله که "سازمان من تأثیر مثبتی بر مردم و سیاره زمین می‌گذارد" کاملاً موافق هستند.

تحقیقات نشان می‌دهد که چنین دارایی‌های نامشهود درصد فزاینده‌ای از ارزش آینده شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند.

یک مطالعه منتشر شده توسط سازمان اوراق بهادار و بازارهای اروپا همچنین نشان داده است که "ESG به طور کلی بازده را بهبود می‌بخشد و هزینه‌های مشتری را به مرور زمان کاهش می‌دهد." تجزیه و تحلیل طی یک دوره پنج ساله نشان داد که صندوق‌های سهامی که بر اساس نمرات ESG وزن‌دهی شده‌اند، عموماً عملکرد بالاتری داشته‌اند: افزایش میانگین بازده سالانه ۱/۵۹٪ در بازارهای اروپا، ۱/۰۲٪ در بازارهای آسیا و اقیانوسیه و ۰/۱۷-۰/۱۳٪ در بازارهای آمریکای شمالی و جهانی.

در ژانویه ۲۰۲۳، یک نظرسنجی راسموسن در ایالات متحده گزارش داد که نسبت آمریکایی‌هایی که ترویج "اهدافی مانند تنوع و محیط زیست" را مهمترین هدف شرکت‌ها می‌دانستند، ۹٪ بود. ۶۹٪ گفتند که تمرکز باید بر "ارائه کالاها و خدمات با کیفیت" و ۱۳٪ بر "افزایش سود" باشد. یک نظرسنجی توسط PricewaterhouseCoopers نشان داد که ۸۳٪ از مصرف‌کنندگان فکر می‌کنند که شرکت‌ها باید به طور فعال بهترین شیوه‌های ESG را شکل دهند، و ۷۶٪ از مصرف‌کنندگان می‌گویند که "روابط خود را با شرکت‌هایی که با کارمندان، جوامع و محیط زیست رفتار بدی دارند، قطع خواهند کرد."

انتقاد

گنجاندن معیارهای ESG در تصمیمات سرمایه‌گذاری، علاقه فزاینده‌ای را در بازارهای مالی به خود جلب کرده است. با این حال، این ادغام مسائل ESG با چندین مشکل اساسی روبرو است که موانع

قابل توجهی را برای پذیرش و ارزیابی دقیق آنها ایجاد می‌کند. پیچیدگی ذاتی ارزیابی معیارهای ESG، ماهیت بلندمدت بسیاری از مزایا و عدم شفافیت و استانداردسازی در اطلاعات موجود، همگی موانع قابل توجهی برای ادغام کامل سرمایه‌گذاری‌های ESG در عرصه مالی هستند. این چالش‌ها مستلزم اصلاحاتی با هدف عادی‌سازی، استانداردسازی و شفاف‌تر کردن معیارها و افشای ESG است تا امکان ارزیابی دقیق‌تر و تصمیم‌گیری بهتر برای سرمایه‌گذاران فراهم شود. به شیوه‌های پایدار و مسئولانه اجتماعی روی آورده‌اند.

سبزشویی

اخیراً، کسب‌وکارها و بازیگران مالی که ادعای پایداری دارند، تردیدهایی را مطرح کرده‌اند. سبزشویی عملی نادرست است که در آن فعالان بازار مالی به دروغ ادعای پایداری می‌کنند و این امر باعث آسیب به اعتبار و عواقب قانونی بالقوه آنها می‌شود. این امر می‌تواند به اشکال مختلفی مانند ترکیبی از مدیریت زیست‌محیطی نامطلوب و ارتباطات مثبت مدیریت زیست‌محیطی، فریب اعتماد سرمایه‌گذاران و مشتریان به شیوه‌های زیست‌محیطی یک شرکت، حاصل شود. فقدان مقررات در تمرکز مالی رو به رشد بر توسعه پایدار، سبزشویی را قادر به گسترش کرده است. بنابراین، اتحادیه اروپا در مارس ۲۰۲۱، آیین‌نامه افشای مالی پایدار ۲۰۸۸/۲۰۱۹ (SFDR) را تدوین کرد که ویژگی‌ها و کیفیت‌هایی را برای تمایز فهرست می‌کند تا افرادی را که از اهداف پایداری حمایت می‌کنند، مشخص کند. علاوه بر این، آیین‌نامه طبقه‌بندی اتحادیه اروپا ۸۵۲/۲۰۲۰ به سبزشویی می‌پردازد و یک سیستم استاندارد برای طبقه‌بندی کالاهای مالی به عنوان پایدار در اتحادیه اروپا ارائه می‌دهد. منبع اصلی سبزشویی به دلیل عدم افشای دقیق در مورد تحریم‌های زیست‌محیطی و قانونی است. این امر فرد را قادر می‌سازد تا وانمود کند که در شیوه‌های ESG سرمایه‌گذاری کرده است، در حالی که دستاوردهای دیگری نیز دارد.

ابزار بازاریابی

چشم‌انداز سرمایه‌گذاری‌های پایدار با ظهور معیارهای ESG دستخوش تحول قابل توجهی شده است. تکامل سریع این رویکرد، نگرانی‌هایی را در مورد استفاده گسترده و فزاینده آن به عنوان یک ابزار بازاریابی ایجاد کرده است. فقدان استانداردهای نظارتی حاکم بر انتقال این اطلاعات و ساختار نامنظم ارزیابی‌های ESG، زمینه مساعدی را برای بهره‌برداری از ESG برای اهداف بازاریابی ایجاد می‌کند. این امر خطر گمراه کردن سرمایه‌گذاران و مدیران صندوق را در پی دارد و در عین حال اعتبار و ارتباط این ابزار را به خطر می‌اندازد.

علاوه بر این، تلاش‌ها برای رعایت معیارهای ESG برای پایداری به عنوان وسیله‌ای برای جذب مصرف‌کنندگان، کارمندان و سرمایه‌گذاران آگاه به مسائل اجتماعی تلقی می‌شود. در اصل، استفاده از ESG دیگر با اهداف پایداری اولیه خود همسو نیست، بلکه به ابزاری بازاریابی برای جذب سرمایه‌گذاران برای افزایش سود تبدیل شده است. در حالی که برخی مطالعات احتمال منسوخ شدن با مقررات سختگیرانه‌تر را در نظر می‌گیرند، ضروری است که استفاده از ESG را برای بازاریابی اعتبار و نقش اساسی آن در ارتقای مشاغل مسئولانه و پایدار، مورد بازنگری و تنظیم قرار دهیم.

چشم‌انداز بلندمدت در مقابل چشم‌انداز کوتاه‌مدت

یکی دیگر از چالش‌های عمده پیش روی سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر ESG، تضاد آشکار بین الزامات کوتاه‌مدت بازارهای مالی و مزایای بلندمدت اغلب قابل مشاهده ابتکارات ESG است. این عدم تعادل،

مشکلات عمده‌ای را در ارزیابی سرمایه‌گذاری‌ها و اطمینان از در نظر گرفتن صحیح مسائل ESG ایجاد می‌کند. یکی از مشکلات عمده، تمرکز بیش از حد مدیران، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران شرکت بر نتایج فصلی است که اغلب بر ایجاد ارزش بلندمدت سایه می‌اندازد.

انگیزه‌های مالی و فرهنگ سازمانی از جمله عوامل ساختاری هستند که این چشم‌انداز کوتاه‌مدت را تقویت می‌کنند. با این حال، مسائل ESG تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی میان‌مدت و بلندمدت دارند و درک آنها را در چارچوب انتظارات کوتاه‌مدت بازار دشوار می‌کنند. مسئله بلندمدت در مقابل کوتاه‌مدت در سرمایه‌گذاری‌های ESG عمدتاً از طریق دو نکته مهم خود را نشان می‌دهد: موقتی بودن بازده و انتظارات متفاوت سرمایه‌گذاران.

سرمایه‌گذاری‌های ESG اغلب شامل تغییرات اساسی در عملیات شرکت، مانند ادغام فناوری‌های پایدار یا پیکربندی مجدد سیاست‌های مدیریت منابع انسانی است. این تحولات برای تحقق به زمان نیاز دارند و همیشه مزایای مالی فوری ایجاد نمی‌کنند و همین امر باعث می‌شود که برای سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدت جذابیت کمتری داشته باشند. ثانیاً، انتظارات سرمایه‌گذاران سنتی از بازده سریع اغلب با واقعیت مزایا و منافع بلندمدت ملموس‌تر سرمایه‌گذاری‌های ESG در تضاد است. این واگرایی باعث ایجاد تنش بین اهداف مالی کوتاه‌مدت و الزامات پایداری بلندمدت می‌شود.

یک انتقاد قابل توجه در این زمینه این است که بازارهای مالی، با تمرکز بر نتایج سه‌ماهه، تصمیم‌گیری بلندمدت را تشویق نمی‌کنند. این رویکرد می‌تواند منجر به دست‌کم گرفتن خطرات مرتبط با شیوه‌های بلندمدت ناپایدار شود و پایداری و مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها را به خطر بیندازد. برای رفع این مشکل، برخی از بازیگران از اصلاح سیستم‌های مالی برای ادغام بهتر ارزیابی‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری‌های ESG حمایت می‌کنند. این امر می‌تواند شرکت‌ها را به اتخاذ استراتژی‌های بلندمدت‌تر تشویق کند و به ابتکارات پایدار و مسئولانه‌ای که هم به نفع جامعه و هم به نفع محیط زیست هستند، پاداش دهد.

عدم شفافیت

عدم شفافیت و استانداردسازی همچنان یک چالش عمده برای سرمایه‌گذارانی است که به دنبال ادغام این جنبه‌ها در تصمیمات مالی خود هستند. دسترسی محدود به اطلاعات مرتبط و به موقع، مانع قابل توجهی است. به بررسی صحیح مسائل ESG کمک می‌کند.

در حال حاضر، شرکت‌ها مشمول الزامات افشای ESG هستند، اما این گزارش‌ها همیشه با صورت‌های مالی منظم همسو نیستند. این جدایی زمانی، ادغام داده‌های ESG را در فرآیند ارزیابی سرمایه‌گذاری پیچیده می‌کند.

اتحادیه اروپا در معرفی الزامات ESG، مانند دستورالعمل اروپایی در مورد افشای اطلاعات غیرمالی و تنوع، که در ابتدا برای شرکت‌های بزرگ اعمال می‌شد، پیشگام بود. اخیراً، اصلاحیه پیشنهادی این دستورالعمل، دامنه خود را به همه شرکت‌های بزرگ فهرست شده گسترش داده است. با این حال، علیرغم این پیشرفت‌های نظارتی، عدم شفافیت در سرمایه‌گذاری‌های ESG همچنان ادامه دارد. با این وجود، مشکلات مرتبط با این عدم شفافیت چند برابر است. اولاً، عدم وجود استانداردهای جهانی روشن، تنوع در گزارش‌دهی ESG را ایجاد می‌کند. شرکت‌ها در انتخاب معیارهای افشا، آزادی عمل قابل توجهی دارند که منجر به ناهمگونی در گزارش‌دهی و دشوار شدن مقایسه عملکرد

ESG نهادهای مختلف می‌شود. علاوه بر این، اختلاف در شاخص‌های مورد استفاده، درک عملکرد واقعی پایداری و مسئولیت اجتماعی را دشوار می‌کند.

این تنوع و عدم ثبات در گزارش‌های ESG، انتقادات قابل توجهی را برانگیخته، سردرگمی سرمایه‌گذاران و بی‌اعتمادی را برانگیخته است. در غیاب استانداردهای یکسان و گزارش‌های استاندارد، برخی از فعالان بازار سرمایه ارزیابی دقیق عملکرد ESG شرکت‌ها را دشوار می‌دانند و تصمیمات سرمایه‌گذاری را بر اساس اطلاعات ناقص یا بالقوه گمراه‌کننده به خطر می‌اندازند. علاوه بر این، این می‌تواند در را به روی سبزشویی باز کند، جایی که شرکت‌ها رویه‌های زیست‌محیطی یا اجتماعی خود را طوری جلوه می‌دهند که مسئولانه‌تر به نظر برسند، بدون اینکه آنها را اجرا کنند.

سازش در قابلیت استفاده در دنیای واقعی

دستورالعمل‌های ESG در میان تولیدکنندگان سلاح اروپای غربی به دلیل به خطر انداختن دوام عملی در میدان جنگ به جای رویه‌های تولید سازگار با محیط زیست مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. در طول جنگ روسیه و اوکراین، سلاح‌ها و تجهیزات نظامی که توسط کشورهای اروپای غربی به نیروهای مسلح اوکراین ارائه شده و حاوی قطعات الکترونیکی با عایق کابل ساخته شده از الیاف ذرت به جای عایق‌های مصنوعی بودند، به دلیل آسیب ناشی از جوندگان، دچار نقص فنی شدند.